

راههای باستانی توس به نیشابور و آثار تاریخی مجاور آنها

محمود بختیاری

پیشگفتار

مقوله ارتباطات مسئله‌ای بس مهم و ملاکی تعیین کننده در زمینه شناخت و پیشرفت و توسعه یا افول و اضمحلال فرهنگ و تمدن اقوام مختلف به شمار می‌رود.

دشت توس و مناطق همجوار آن از گذشته‌های دور نمونه‌ای بارز در این زمینه می‌باشد. مردم دشت توس در ادوار پیش از تاریخ از نوعی زندگی فعال شبانی و کشاورزی برخوردار بوده و هنگامی که در عصر حجر از غارها به دشت سرازیر و در این منطقه حاصلخیز ساکن شدند، استقرار در روستاها را پایه ریزی نموده و از طریق راههای مواصلاتی آن روزگار با مناطق دیگر به مبادلات تجاری و فرهنگی پرداخته و تدریجاً به سوی توسعه و پیشرفت گام نهادند. زیستگاههای این اقوام در حال حاضر بصورت تپه‌های کوچک و بزرگ در سطحی وسیع باقی مانده است بر اساس شواهد موجود این ایستگاهها در مقاطع زمانی همسان با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند. وجود آنها در حول و حوش و مجاورت راههای کنونی می‌تواند این موضوع را به اثبات برساند که مسیر راههای بزرگ و اصلی از آن زمان تا به امروز تغییر چندانی نکرده و رد پای اقوام پیش از تاریخ ساکن در دشت را می‌توان در مسیرهای امروزی نیز بررسی نمود.

تپه‌هایی همچون قره تپه، توپ درخت، دوین، تپه‌های نادری مشهد، فرهاد گرد فریمان، تپه برج نیشابور و دهها تپه باستانی دیگر زیستگاه اقوام چند هزار سال قبل دشت بوده‌اند و بی گمان در مسیر راههایی قرار داشته که در عصر حاضر نیز شاهراه شرق به غرب را تشکیل داده است.^(۱)

از دیگر سو می‌توان بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی^(۲) و از روی متون کهن استنباط نمود که آریائیان در ادوار بعدی و در حدود سه هزار سال قبل مهاجرت خود را از دشتهای جنوبی سیبری یا ترکمنستان شمالی در مسیرهای مشخصی به طرف سرزمینهای گرمتر آغاز نموده و دسته‌ای از آنان از سرزمین باختر گذشته و از طریق مرو و سرخس و توس و نیشابور یعنی تقریباً در مسیر شاهراه کنونی وارد فلات ایران شده و آریائیان ایرانی را تشکیل دادند.^(۳) راه ابریشم نیز که مهمترین مجرای ارتباطی بین شرق و غرب محسوب می‌شده پس از گذشتن از مناطق خاور دور به شهر بلخ رسیده و سپس از همان مسیر قبلی به طرف غرب امتداد می‌یافته است.^(۴)

اگر چه مسیر شاهراههای عهد باستان تقریباً با مسیر جاده‌های فعلی مطابقت دارند، اما در برخی موارد منزلگاهها بعلل گوناگون از آبادی و اعتبار افتاده و در نزدیکی آنها آبادی یا شهر دیگری پدید آمده و راه را به سوی خود برگردانده است.

مثلاً نوغان و سناباد توس که بعد از قرن چهارم هجری اهمیت

۱- گزارش بررسی شهرستان مشهد - محمود بختیاری شهری - ۷۸-۱۳۷۷ منتشر نشده و گزارش بازدید از تپه فرهاد گرد فریمان - کامیار عبدی ۱۳۷۶ - منتشر نشده.

۲- گزارش بررسی تربت حیدریه - جلگه رخ - رجبعلی لباف خانیکی - ۱۳۶۹ - منتشر نشده.

۳- راه و رباط - محمد کریم پیرنیا - کرامت ا... افسر - انتشارات آرمین - تهران ۱۳۷۰ ص ۲۵.

۴- همان - ص ۸۶.

آنها تنها به خاطر قرار گرفتن بر سر راه ابریشم بود^(۵) در چند مرحله و به تدریج مورد توجه قرار گرفت و روز بروز بر اهمیت آن افزوده شد و بر جای تابران که در قرون میانی اسلامی به مراتب از آنها بزرگتر، پرجمعیت‌تر و از رونق بیشتری برخوردار بود و یکی از خزائن سه گانه نیشابور^(۶) را تشکیل می‌داد، نشست و تدریجاً چنان گسترش یافت که در حال حاضر به یکی از بزرگترین شهرهای مذهبی جهان تبدیل شده است.

در نوشته‌های جغرافیایانویسان اولیه و سفرنامه نویسان متأخر در ذکر مسیر راههای نیشابور به توس و مناطق دیگر به نام اماکنی برمی خوریم که اکنون یا وجود خارجی ندارند و یا اینکه تغییر نام یافته‌اند مثل اسپریس به قدمگاه یا بغیس به باغش از طرفی آثار و ابنیه برجای مانده رکنار مسیرهای یادشده حکایت از رونق و اعتبار مداوم آنها در طول تاریخ دارند.

مقدمه

مقاله‌ای که در پیش رو دارید بخشی از برنامه بررسی و شناسایی آثار باستانی شهرستان مشهد می‌باشد. این برنامه یکی از پژوهشهای باستان‌شناسی و مصوب سازمان (پژوهشگاه) میراث فرهنگی کشور است و طی دو مرحله در اسفند ۱۳۷۷ و آبان ۱۳۷۸ توسط هیئتی به سرپرستی نگارنده انجام و ۲۱۰ اثر تاریخی - فرهنگی از انواع مختلف شناسایی گردید.

محدوددای که در سطور بعدی بررسی شده، منطقه‌ایست مابین شهرهای مشهد و نیشابور که شامل قسمتهایی از بخشهای طرقله و احمد آباد مشهد و زیرخان نیشابور می‌باشد.

همانگونه که از عنوان مقاله برمی آید هدف معرفی اجمالی مسیر راههای عمده مناطق یادشده و آثار تاریخی مجاور آنها می‌باشد که توسط هیئت شناسایی و جهت مستند سازی آنها مدارک لازم از جمله عکس، نقشه و گزارش تهیه گردیده که در آرشیو اداره کل میراث فرهنگی خراسان موجود می‌باشد.

آثار مورد نظر مشتمل بر محوطه‌ها و زیستگاههای باستانی و تأسیسات وابسته به راههای مزبور هستند و به منظور جلوگیری از اطاله کلام تنها مشخصات کلی و مختصر آنها آمده و توضیحات و شرح مبسوط برخی از آنها به همراه نقشه‌های

برداشت شده و عکس به عنوان نمونه ارائه شده است.

کلیه آثار بررسی شده این منطقه در جدول ضمیمه و تنها ابنیه و تأسیسات وابسته به راهها در نقشه شماره ۱ درج گردیده است. مسیر راههای مورد نظر نیز مشتمل بر دو بخش غیر کوهستانی (جلگه‌ای) و کوهستانی می‌باشند که ذیلاً به شرح دو شاهراه عمده جلگه‌ای و دو معبر عمده کوهستانی پرداخته و ضمن آن مدارکی را که از طریق بررسی کتابخانه‌ای حاصل آمده است به عنوان شاهد آورده‌ایم.

۱ - مسیرهای جلگه‌ای

این مسیرها از دامنه‌های رشته کوه بینالود گذشته و جهت رسیدن به توس یا بالعکس آن را دور زده و راههای سهل الوصول اما طولانی‌تر را نسبت به مسیرهای کوهستانی تشکیل داده و در قدیم شاهراه مواصلاتی و کاروان رو شرق به غرب و در واقع بخشی از جاده ابریشم بوده است.

راههای فعلی شامل دو جاده آسفالتی و راه آهن با اختلافاتی نه چندان زیاد همان مسیرهای قبلی را طی می‌کنند لازم به ذکر است مسیر جاده‌های آسفالتی در دهه‌های اخیر تغییر کرده به گونه‌ای که خود به دو راه قدیم و جدید موسوم شده‌اند.

سیر تاریخی تغییر مسیر راههای توس به نیشابور را بدین شرح می‌توان بیان نمود که حداقل از اوایل دوره اسلامی تا حدود دوره صفوی شاهراه نیشابور - ده سرخ - توس، از آن پس تا اواخر دوره قاجاریه به مسیر شریف آباد طرقله، در عصر حاضر و تا دهه ۶۰ راه آسفالتی که از امام تقی، سنگ بست، تپه سلام می‌گذشته (و در حال حاضر محل عبور و مرور وسایط سنگین می‌باشند) و در حال حاضر جاده فخر داوود، رباط خاکستری، رباط طرقله، مشهد مورد استفاده بوده است. (نقشه شماره ۱)

۵- همان - ص ۱۱۵ و مقاله: جغرافیای محله‌ای مشهد - تقی بینش - مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد - س: ۱۲ ش: ۴ - ۲۵۳۵ ص ۸۴۲

۶- احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم - بخش دوم - ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی - ترجمه علی‌نقی منزوی - شرکت مولفان و مترجمان ایران - ۱۳۶۱ - ص ۴۳۶

۱-۱ - مسیر یک:

نیشابور - قدمگاه - باغش - ده سرخ - توس:

مقدسی در ذکر فواصل راههای نیشابور به مناطق دیگر، خط سیر راه نیشابور - توس و بالعکس را اینگونه بیان می‌کند: «...از نیشابور گرفته تا بغیثین یک مرحله سپس تا ده سرخ یک مرحله سپس تا نوغان یک مرحله سپس تا طابران دو برید استو از آنجا تا عقبه^(۷) یک مرحله است...» و از نیشابور گرفته تا عقبه یک مرحله است...^(۸)

ابن خردادبه نیز ضمن ذکر شهرها و توابع نیشابور در این مورد می‌نویسد: «...از نیشابور تا بغیث^(۹) چهار فرسخ از بغیث تا حمراء (ده سرخ فعلی) شش فرسخ از حمراء تا مثقب^(۱۰) از ناحیه طوس پنج فرسخ از مثقب تا نوغان پنج فرسخ...»^(۱۱)

صنیع‌الدوله با بهره‌گیری از نوشته‌های ابن قدامه، ابن خردادبه، مقدسی و ادیسی مسیر یادشده را راه زمستانی قدیم مشهد ذکر کرده و می‌نویسد: «و باید دانست که راه زمستانی سابق مشهد را از بعیشین و قریه‌الحمراء عبور می‌کرده... و بعیشین قریه ایست در بلوک زبرخان قدری مایل به طرف مشرقی قدمگاه از بعیشین راهی است که از رودخانه سروان می‌گذشته و در زمان قدیم پلی در آنجا بوده که حالا آثار آن باقیست بعد از فخر داوود گذشته و به قریه‌الحمراء ده سرخ حالیه است که فاصله آن تا شریف آباد بیش از یک میان نیست. سابقاً از این قریه به مشهد می‌رفته و راه مثل زمان حال بوده و بنابراین آنچه ذکر شد راه قدیم شانزده فرسخ بوده...»^(۱۲)

بر اساس نوشته عیون اخبار الرضا حضرت رضا (ع) جهت رسیدن به مرو همین مسیر را طی کردند. به نقل از اباصلت هروی و ابن واسع امام و همراهانش پس از نیشابور در ده سرخ اقامتی کوتاه داشته و نماز ظهر را در این مکان به جماعت اقامه کردند.^(۱۳) همانگونه که مقدسی گفته است ده سرخ «مرحله» بعدی پس از باغشین بوده است که طبق تقسیمات فواصل راه در قدیم هر مرحله برابر با ۲۴ کیلومتر یا شش فرسخ و مکانی برای استراحت و توقف کوتاه مسافری محسوب می‌شده است.

وجود کاروانسراها و محوطه‌های باستانی قرون اولیه و میانی اسلامی که در مجاورت زیستگاههای فعلی قرار دارند و نوشته‌های متون مذکور دلیلی بارز بر اعتبار و رونق این مسیر

در گذشته می‌باشد.

آثار باستانی عمده این مسیر از نیشابور به توس عبارتند از: محوطه باستانی برج مربوط به هزاره پنجم قبل از میلاد، مجموعه تاریخی قدمگاه مربوط به دوره صفوی، رباط قلعه وزیر متعلق به دوره قاجاریه، بقایای رباطهای دیزباد مربوط به دوره صفوی، کاروانسرای فخر داوود متعلق به دوره تیموری، چاپارخانه تخت لنگر مربوط به دوره صفوی، محوطه باستانی قلعه کوچ کمر در ده سرخ مربوط به قرون اولیه تا دوره صفوی، مجموعه رباطهای علاقبنده، متعلق به دوره تیموری، صفوی و قاجاریه محوطه باستانی مجاور رباط علاقبنده متعلق به قرون سوم تا هفتم هجری قلعه چراغ مجاور روستای عارفی مربوط به قرون سوم تا ششم هجری، محوطه باستانی لاخ انجیر یا پل طلایی متعلق به دوره اسلام تا قرن هفتم هجری، بقایای رباط عارفی، بقایای راه

۷- در اسرار التوحید ضمن توضیح یکی از مسافرت‌های ابوسعید ابوالخیر مسیرهای کوهستانی توس به نیشابور محلی به نام «عقبه زشک» عنوان گردیده که در میانه راه و بعد از روستای خرو نیشابور قرار داشته است که احتمالاً «عقبه» مذکور احسن التماسیم با «عقبه زشک» اسرار التوحید یک مکان بوده‌اند. در حال حاضر در منطقه زشک امروزی محلی به نام عقبه وجود ندارد. اسرار التوحید - محمد بن منور میهنی - مقدمه و تصحیح و تعلیقات: دکتر محمد رضا شنبغی کدکنی - انتشارات آگه - ۱۳۷۶ (بخش اول) صفحه ۹۹.

۸- احسن التماسیم ص ۵۱۵.

۹- «بغیث» بغیثین، بغیث همان باغش کنونی می‌باشد که مابین فخر داوود و قدمگاه و مجاور جاده آسفالت نیشابور - مشهد قرار دارد.

۱۰- لسترینج در جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی سناباد را همان مثقب مذکور در مسالک و ممالک ابن خردادبه و مؤید ثابتی در تاریخ نیشابور آنرا با سنگ بست یکی پنداشته‌اند که به نظر نگارنده نظریاتی اشتباه است. زیرا هیئت بررسی مشهد در سال ۱۳۷۷ محوطه‌ای باستانی وسیع را شناسایی کرد که در فاصله ۳۰ کیلومتری مشهد و به همین فاصله از ده سرخ و در کنار مسیر مورد نظر و در حاشیه روستای عارفی قرار دارد. این محوطه مربوط به صدر اسلام تا قرن هفتم هجری می‌باشد و با مشخصات مذکور توسط ابن خردادبه در مورد مثقب مطابقت دارد و به نظر می‌رسد همین مکان باشد. شواهد موجود نیز حکایت از آن دارند که این مکان در زمان آبادانی دارای اعتبار و رونق خاصی بوده است.

۱۱- مسالک و ممالک - ابن خردادبه - ترجمه دکتر حسین قره چانلو - نشر نو - ۱۳۷۰ ص ۲۱۲.

۱۲- مطلع الشمس - محمد حسن خان اعتماد السلطنه (صنیع‌الدوله) ج سوم - انتشارات فرهنگسرا - تهران - ۱۳۶۳ ص ۸۵۸.

۱۳- عیون اخبار الرضا ج دوم - ابن بابویه قمی - انتشارات کتابفروشی طوس - قم - ۱۳۶۲ ص ۴۹۳.

صخره‌ای مجاور کلاته فاضل مربوط به قرون اولیه و میانی اسلام، تپه نادری مشهد متعلق به هزاره پنجم قبل از میلاد تا دوران تاریخی.^(۱۴)

پیش از مسافرت حضرت رضاع) به توس و مرو در محل بنای قدمگاه فعلی میل راهنما وجود داشته و احتمالاً در کنار آن ساباط یا رباطی بوده^(۱۵) و پس از آن به یمن قدوم مبارک آن حضرت بنام قدمگاه معروف گردیده و در زمان شاه عباس صفوی بر روی ابنیه قبلی بنای یادبود و قدمگاه بنیان گرفت و پس از آن مجموعه معماری فعلی ساخته شده.^(۱۶)

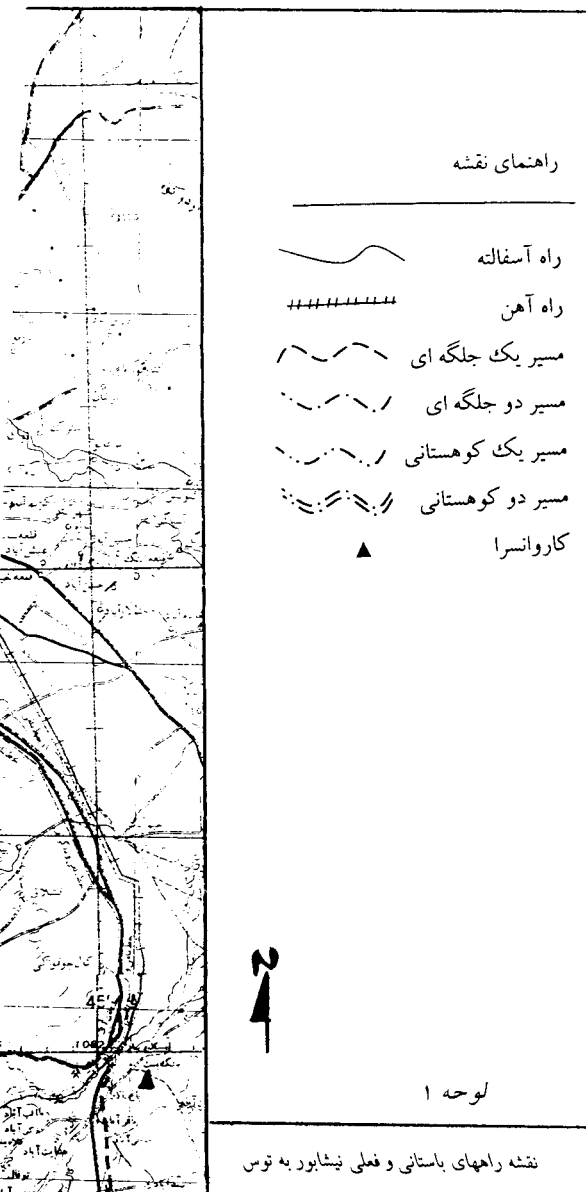
مجاور جاده آسفالتی فعلی و در فاصله ۳ کیلومتری جنوب قدمگاه کاروانسرای بزرگ به نام سعد یا سعدالدین وجود داشته که در چند دهه گذشته به کلی تخریب و تسطیح و به زیر کشت رفته است. اراضی کشاورزی این قسمت را هنوز به عنوان زمین رباط سعد می‌نامند. این رباط مربوط به قرون اولیه اسلامی بوده است.^(۱۷)

سفرنامه نویسان دوره قاجاریه از دو کاروانسرا و یک چاپارخانه در مقابل باغ قدمگاه نام برده‌اند یکی از کاروانسراها را حاجی زکی اصفهانی حاج صانع سبزواری در اواخر دوره صفوی ساختند و در دوره قاجاریه توسط امیر نظام الدوله شاهسون مرمت گردید.^(۱۸) این کاروانسرا در سالهای قبل از انقلاب اسلامی ب منظور احداث ساختمان بهداری فعلی قدمگاه به کلی منهدم شده است.^(۱۹)

کاروانسرای دیگر قدمگاه که مشتمل بر بنایی دو ایوانی بوده و در حال حاضر در ضلع غربی خیابان مقابل باغ قدمگاه قرار دارد توسط شاه عباس اول ساخته شده.^(۲۰) و توسط شهاب الملک به طور اساسی مرمت گردیده است.^(۲۱)

پس از قدمگاه محل اطراق کاروانیان بغیثین یا باغشین فعلی بوده است. افضل الملک در سفرنامه خود می‌نویسد: «...بغیثین بسی آباد و مزارع خوب دارد و پهلوی دِهی در کنار جاده واقع شده که آن را قلعه نو گویند و جمال آباد هم می‌نامند...» به گفته

۱۴- گزارش مقدماتی بررسی و شناسایی شهرستان مشهد - محمود بنیاری شهری - ۱۳۷۷ منتشر شده.
۱۵- راه و رباط - ص ۱۱۹.



۱۶- آثار باستانی خراسان ج اول - عبدالحمید مولوی - انتشارات انجمن آثار ملی ۱۳۵۴ - ص ۲۲۱.

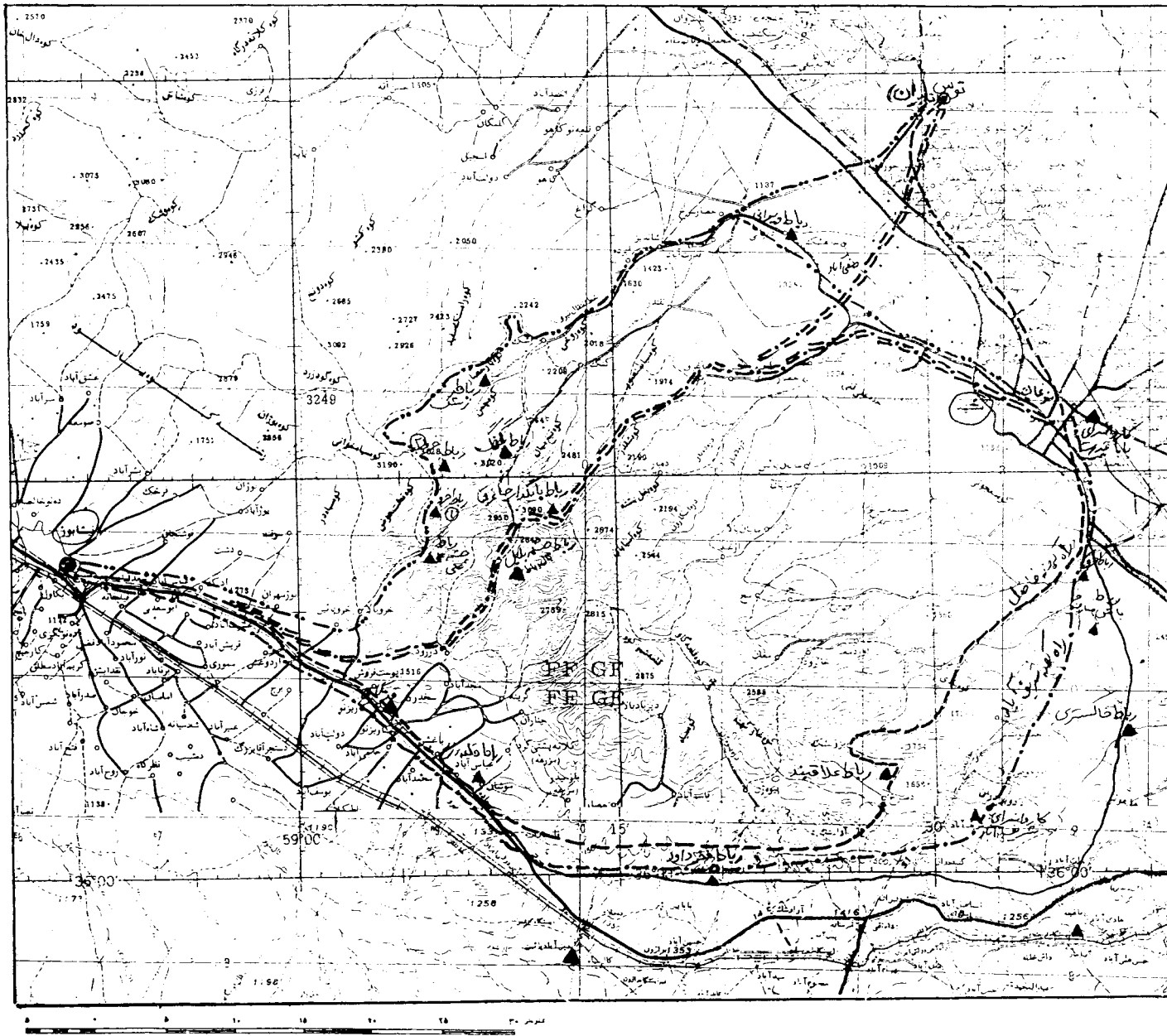
۱۷- همان - ص ۳۲۱.

۱۸- سه سفرنامه - ترجمه قدرت ا... روشنی - انتشارات توس - ۲۵۳۶، ص ۱۹۸ و مطلع الشمس ص ۸۲۱.

۱۹- آثار باستانی خراسان ص ۳۲۵.

۲۰- سه سفرنامه - ص ۱۹۸ و روزنامه سفر خراسان - علینقی حکیم الممالک، انتشارات چاپخانه حیدری، ۲۵۳۶ - ص ۱۶۰.

۲۱- سفرنامه سیف الدوله - سلطان محمد سیف الدوله - انتشارات معراج - ۱۳۶۴ - ص ۳۰۷.



منشی زاده نیز کاروانسرای قلعه وزیر و قهوه خانه آن را در سفرنامه خود نام برده است. (۲۳)

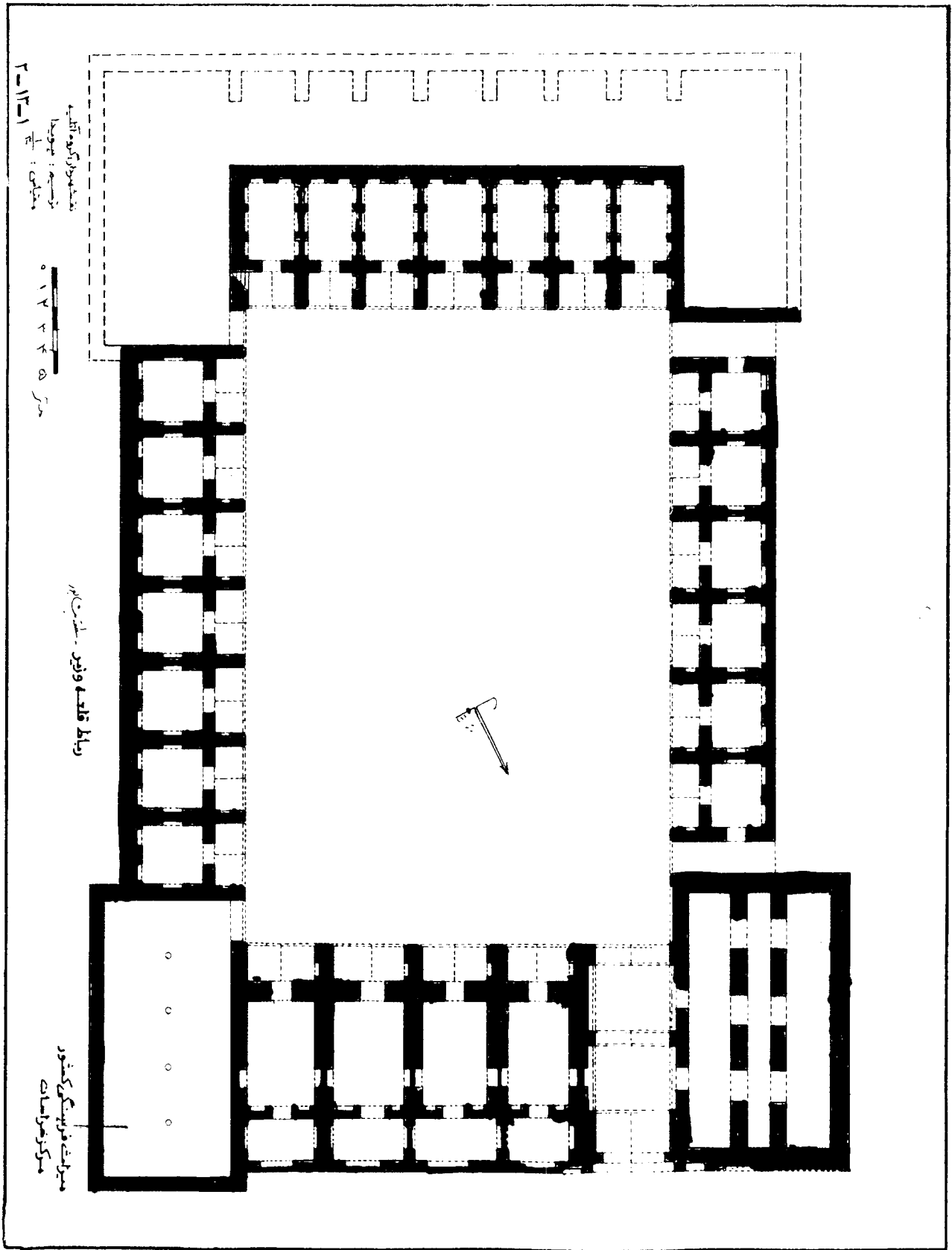
پس از باغشن شاهراه قیم خراسان از منزلگاه دیزباد دیزباد دو شاخه می شده و یکی به توس و مرو می رفته و دیگری به هرات می رسیده است. جغرافیا نویسان عربی نویس دیزباد را با عنوان

۲۲- سفرنامه خراسان و کرمان - غلامحسن خان افضل الملک به اهتمام قدرت الله روشنی - انتشارات توس - تهران - بی تا - ص ۵۰.

۲۳- سفرنامه منشی زاده - انتشارات یزد - ۱۳۷۱ - ص ۱۱.

وی حاجی میرزا ابراهیم شریعتمدار سبزواری بنیان کاروانسرای خوب و عالی را در این محل پی ریزی نموده و قبل از اینکه آن را به اتمام برساند فوت کرد. در این کاروانسرا مسافرین می توانسته اند یک شبانه روز به استراحت و تجدید قوا بپردازند. (۲۲)

کاروانسرای مذکور با رباط قلعه وزیر فعلی که در کنار روستایی به همین نام و به فاصله سه کیلومتری از جاده آسفالت کنونی واقع گردیده، مطابقت دارد. (لوحه ۱)



لوحة ۱ - پلان رباط قلعه و وزیر، منطقه پشاور

«قصر الریح» نامیده‌اند. (۲۴)

این رسته در در این مورد می‌نویسد: «... از قصر ریح راه از ناحیه مشرق می‌رسد به سواد نیشابور و در چپ و راستی راه قریه‌ها و رباطهاست که منتهی می‌شود به قصر الریح...» و یعقوبی نوشته است که در شاهراه اصلی از نیشابور به سرخس شش مرحله است. نخستین مرحله قصر الریح است که به فارس یان را دزباد می‌گویند. (۲۵)

در کنار روستای دیزباد سفلی (۲۶) دو کاروانسرای آجری وجود داشته است بقایای یکی از آنها در حاشیه جنوبی روستا به صورت تپه ماهورهایی که سطح آنها مملو از پاره آجر و نخالهٔ ابنیه منهدم شده است قرار دارد. کاروانسرای دیگر در شرق روستا قرار داشته که به تدریج منهدم و توسط کشاورزان به کلی تسطیح و به اراضی کشاورزی تبدیل شده است. در کنار مسیری که به هرات می‌رفته کاروانسرای کال خونی (مربوط به قرون سوم و چهارم هجری)، رباط جهان آباد در نزدیکی دوراهی باغچه مربوط به قرون سوم و چهارم هجری و کاروانسراهای سنگ بست، قرار داشته است.

شاخه دیگر راه جهت رسیدن به توس از فخر داوود می‌گذشته است. کاروانسرا و آب انباری از دوره تیموری در این مکان باقی مانده است. این کاروانسرا به صورت سرپوشیده و با مصالح آجر و پی سنگی ساخته شده است.

رباط فخر داوود را شیندلر به شاه عباس منسوب کرده. (۲۷) لکن همانگونه که ذکر شد با توجه به سبک معماری بنا و مقایسه قوشها و طاقنماهای آن با مدرسه غیاثیه خرگرد آن را بایستی یکی از آثار معماری عصر تیموری به حساب آورد که بازسازی شده است. رباط فخر داوود سه بار به طور اساسی مرمت گردیده است دو مرحله در زمان قاجاریه توسط محمد میرزا ابن فتحعلیشاه و امیر نظام‌الدوله شاهسون (۲۸) و آخرین بار در سالهای اخیر با نظارت میراث فرهنگی خراسان و مشارکت سازمان مسکن و شهرسازی مرمت و بازپیرایی گردیده و در حال حاضر به عنوان دفتر کار شهرک در دست اقدام بینالود استفاده می‌شود. (۲۹)

اعتماد السلطنه شرح نسبتاً مبسوطی از رباط فخر داوود و آب انبار مقابل آن ارائه کرده است. (۳۰) این آب انبار پس از تعمیر

به موتورخانه و تأسیسات کاروانسرا تبدیل شده است. (لوحه ۲) مابین فخر داوود و ده سرخ بقایای یک قلعه و محوطه باستانی مربوط به دوره سلجوقی در کنار روستای درخت سپیدار به نام قلعه تلخون و بقایای دو قلعه دیگر مربوط به قرون میانی اسلامی در ارتفاعات مشرف به روستای بیود ژن، بقایای زیستگاهی مربوط به قرن متأخر اسلامی در کنار روستای ابرش به نام قلعه کوه آسیاباد و خرابه‌های چاپارخانه‌ای مربوط به دوره صفوی موسوم به تخت لنگر در ابتدای راه خاکی شریف آباد و ده سرخ قرار دارد. این چاپارخانه در کنار چمنزار و برکه‌ای کوچک ساخته شده است. (تصویر ۱)

تخت لنگر جاده فعلی تقریباً مطابق با مسیر شاهراه قدیمی می‌باشد و جاده آسفالتی از مجاورت آثار یاد شده می‌گذرد.

از کنار بنای تخت لنگر راهی خاکی از جاده آسفالتی به طرف شمال امتداد می‌یابد و پس از طی چند کیلومتر دو شاخه می‌شود راه سمت راست به طرف شریف آباد و طرق و راه سمت چپ به سوی ده سرخ می‌رود.

قبل از ده سرخ قلعه‌ای خشت و گلی بزرگ بر روی تپه‌ای کوتاه وجود دارد این قلعه به نام دهنو معروف است و مربوط به دوران متأخر اسلامی می‌باشد.

ده سرخ یا قرية الحمراء یکی از روستاهای باستانی منطقه محسوب می‌شود در واقع ساختمانهای فعلی روستا بر روی بقایای ده سرخ باستانی ساخته شده‌اند. کشف ظروف سفالین و

۲۴- جغرافیای محله‌ای مشهد - ص ۸۷۳ به نقل از البلدان یعقوبی و جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی ص ۴۱۴ و اسرار التوحید - بخش دوم - ص ۷۴۵.

۲۵- همان.

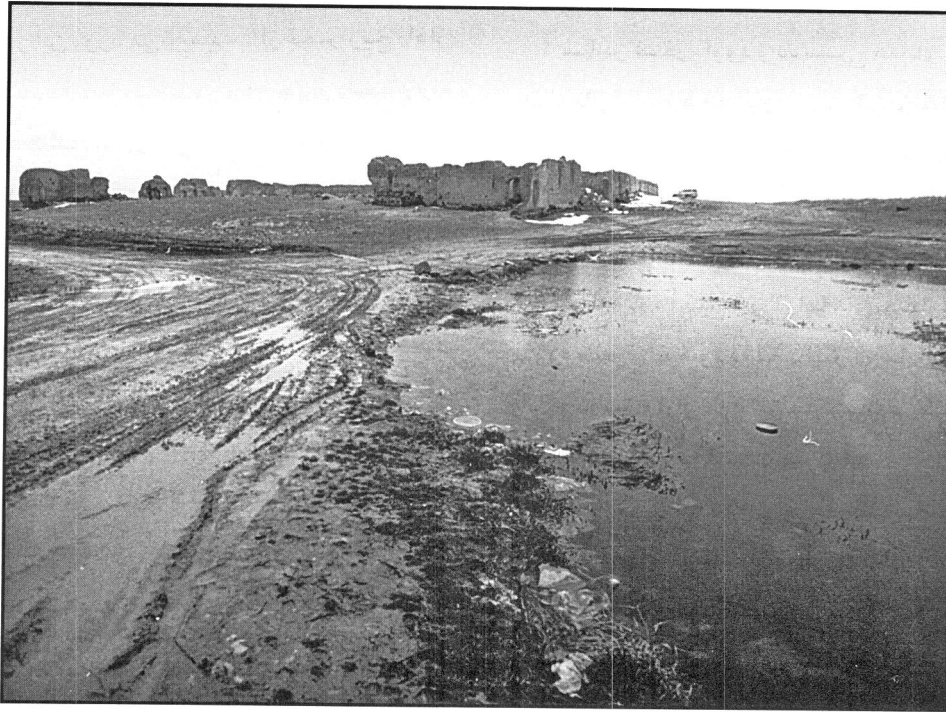
۲۶- دو روستای دیزباد سفلا و دیزباد علیا در این منطقه وجود دارد دیزباد علیا روستایی کوهستانی و در دامنه بینالود قرار دارد و دیزباد سفلی یا همان قصرالریح در کنار جاده آسفالتی قبلی مشهد و به فاصله ۴ کیلومتری جنوب جاده فعلی قرار دارد.

۲۷- سه سفرنامه - ص ۱۹۹. گزارش ثبتی رباط فخر داوود - محمود بختیاری شهری - آرشو میراث فرهنگی خراسا - منتشر نشده.

۲۸- سه سفرنامه - ص ۱۹۹.

۲۹- گزارش ثبتی رباط فخر داوود.

۳۰- مطلع الشمس - صص ۸۱۶ و ۸۱۷.



تصویر ۱ بقایای چهارخانه تخت لنگر که در کنار راه شریف اباد قرار داشته است.

روان گردید و جمعیت حاضر با آن وضو ساخته^(۳۱) و بر روی سکوئی طبیعی نماز را اقامه کردند.

چشمه آب و سکوی مزبور نزد اهالی، مکانی مقدس محسوب می‌شود و آب چشمه به عقیده آنان خاصیت شفا بخشی داشته و بعنوان تیرک به اماکن دیگر نیز فرستاده می‌شود.

در میانه راه ده سرخ و روستای بزوشک و در میان دره‌ای سرسبز و پر درخت مجموعه‌ای باستانی شامل یک محوطه و سه کاروانسرای متصل به هم و دو حوض آب انبار وجود دارد.

این مجموعه به نام «رباط علاقیند»^(۳۲) خوانده می‌شود و خود بر روی خرابه‌های ابنیه قدیم‌تری ساخته شده است. نحوه شکل‌گیری مجموعه یادشده بدین صورت بوده است که در ابتدا بنائی مشابه کاروانسرای فخر داوود و با همان سبک و سیاق وجود داشته و در دوره صفوی کاروانسرائی دیگر همسان با

اشیاء دیگر در جریان فعالیت‌های عمرانی و کشاورزی، نشانه‌ای بر این مدعاست.

علاوه بر آن مکانی باستانی معروف به قلعه کوچ کمر در بلندترین نقطه روستا یعنی قلّه مخروطی شکل مشرف به روستا وجود دارد. به استناد سفالینه‌های موجود این مکان را می‌توان زیستگاهی مربوط به صدر اسلام تا قرون متأخر اسلامی تاریخگذاری کرد.

خانه‌های قلعه کوچ کمر تا چند دهه قبل مسکونی بوده لکن به علت صعب العبور بودن، ساکنین آن به مکان فعلی روستا کوچ کرده‌اند. (تصویر ۲)

بنا به گفته اهالی تا چندی پیش بقایای کاروانسرائی آجری در خارج از روستا وجود داشته که به دنبال فعالیت‌های کشاورزی بکلی منهدم و تسطیح شده است.

همانگونه که ذکر شد امام رضا(ع) و همراهانشان هنگام اقامه نماز ظهر وارد ده سرخ شدند به نقل از منتهی الآمال و مفاتیح الجنان به علت عدم وجود آب کافی جهت وضوء، حضرت با عصای خود زمین را حفر نمودند که بر اثر آن چشمه آبی نمایان و

۳۱- مفاتیح الجنان و سفرنامه ناصرالدین شاه.

۳۲- علاقیند = علاقه بند = کسی که رشته یا قیطان را از ابریشم می‌بافد. کسی که نخ و قیطان و ابریشم می‌فروشد. فرهنگ دمخدا - و فرهنگ عمید - ذیل حرف (ع).

کاروانسرای سرپوشیده رباط سفید^(۳۳) به آن متصل گردیده است. در دوره بعدی فضای مقابل ورودی این کاروانسراها را با احداث یک ایوان ورودی، اطاقها و غرفه‌ها به صورت فضائی حیاط دار تبدیل نموده به گونه‌ای که یک بنای واحد چهار ایوانی با دو فضای سرپوشیده شکل گرفته است. (تصویر ۳ - لوحه ۳)

بنا به گفته اهالی در گذشته کتیبه‌ای بر سردر ایوان ورودی وجود داشته که توسط قاچاقچیان اموال فرهنگی به سرقت رفته است.

محوطه باستانی مجاور رباط علاقبند بقایای زیستگاهی مربوط به قرون اولیه و میانی اسلام می‌باشد.

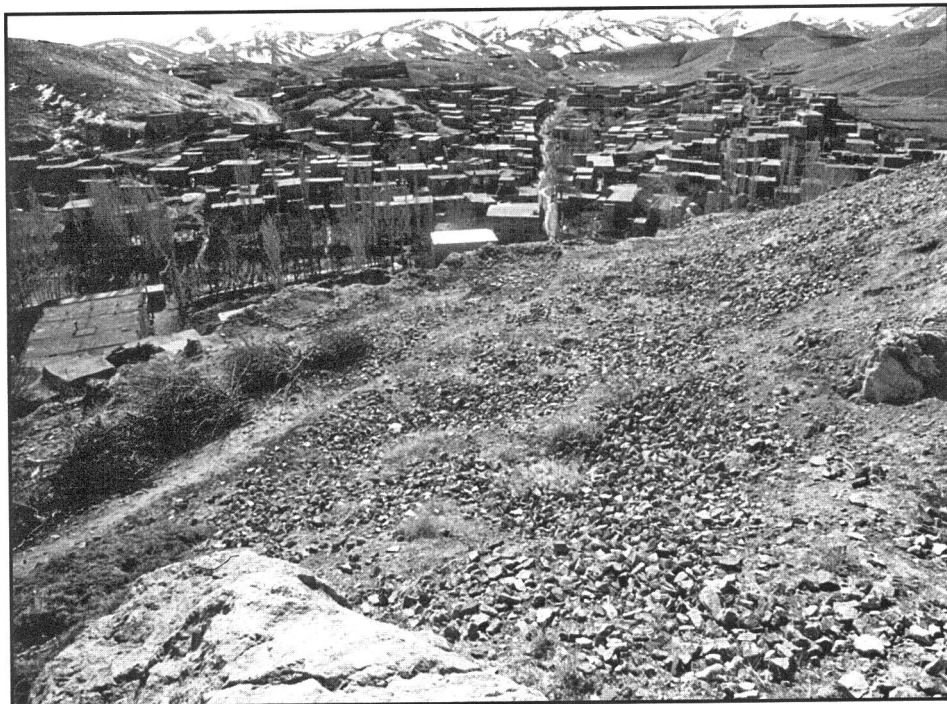
پس از طی حدود ۳ کیلومتر به دره پردرخت و خوش آب و هوای روستای عارفی می‌رسیم. بقایای قلعه‌ای باستانی متعلق به قرون سوم تا ششم هجری به نام قلعه چراغ در کنار راهی که از روستای بزوشک به ده سرخ می‌رسد و برفراز کوهی کم ارتفاع مشرف به باغات جنوبی این روستا قرار دارد.

در میان این روستا کاروانسرای سنگی و اجری وجود داشته که در سالهای اخیر تخریب و بر جای آن مسجدی ساخته شده است. بقایای یکی از دیوارهای این کاروانسرا در پشت

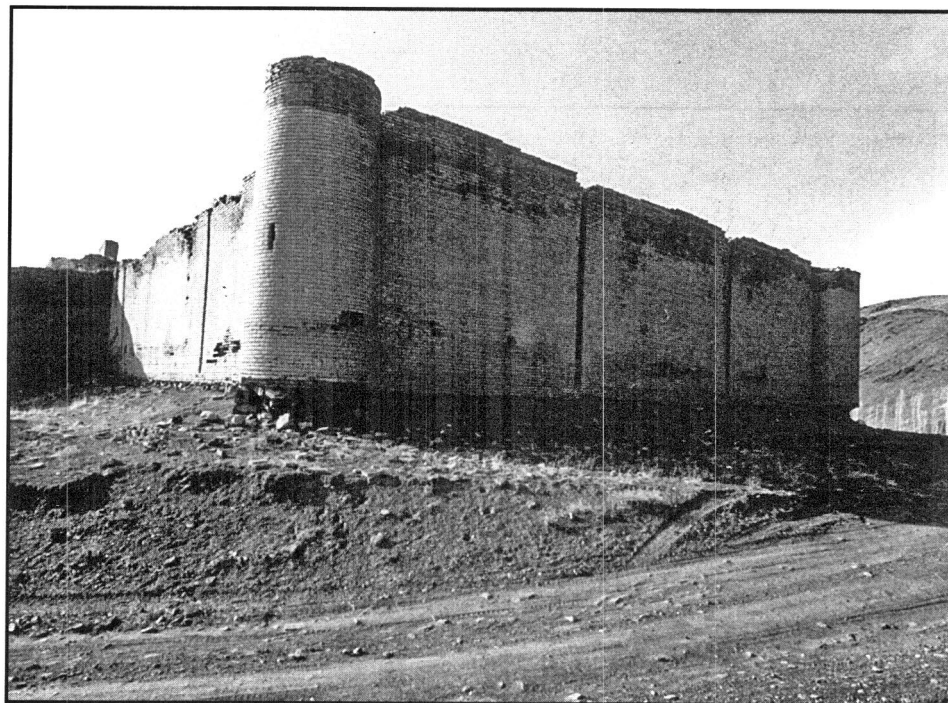
مسجد باقی مانده است.

بقایای یک زیستگاه وسیع موسوم به لاج انجیر درکناره شمالی روستای عارفی و بر دامنه کوهی صخره‌ای به وسعت حدود ۱۰ هکتار قرار دارد. این زیستگاه باستانی از لاشه سنگ و آجر تشکیل می‌شده است. این مکان در روزگار آبادانی خود یکی از سکونتگاههای مهم و پر رونق منطقه بوده است. وقوع آن در کنار راه توس، وسعت و وجود سفالینه‌های متنوع می‌تواند گواه این ادعا باشد. به استناد سفالینه‌های موجود محوطه باستانی لاج انجیر از صدر اسلام تا دوره سلجوقی مسکونی بوده است. چندین برج دیده بانی در ارتفاعات مشرف به

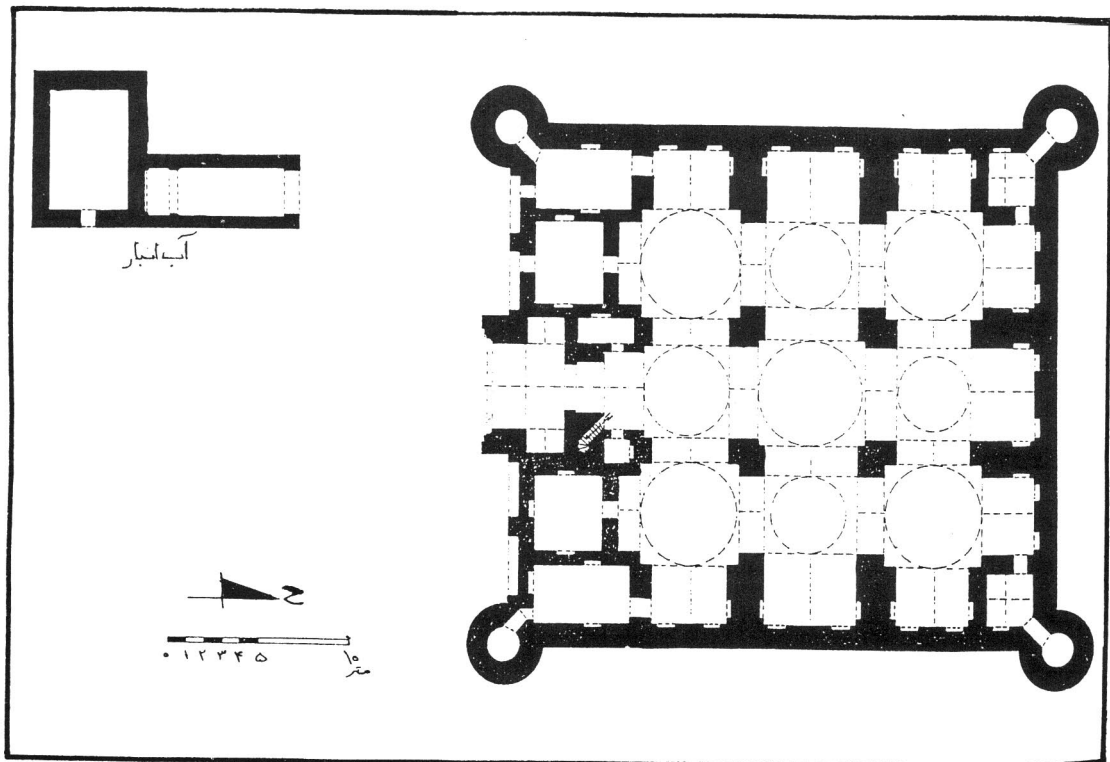
۳۳- کاروانسرای رباط سفید بر سر راه مشهد به تربت حیدریه واقع شده و شامل دو بنا است که در دو دوره ساخته شده است. بنای سرپوشیده در زمان شاه طهماسب صفوی در سال ۹۶۷ قمری احداث گردیده و در دوره قاجاریه توسط حاج امین التجار تربتی کاروانسرای دیگر شامل چندین اطاق، ایوانچه و ایوان پیرامون یک حیاط ساخته شد و به کاروانسرای سرپوشیده متصل گردیده است. سفرنامه رکن الدوله - محمد علی منشی - به کوشش محمد گلبن - انتشارات سحر - تهران ۲۵۳۶ ص ۱۲۶. و سفرنامه خراسان و کرمان - همان - صفحه ۱۲۹ و گزارش بررسی مشهد - همان.



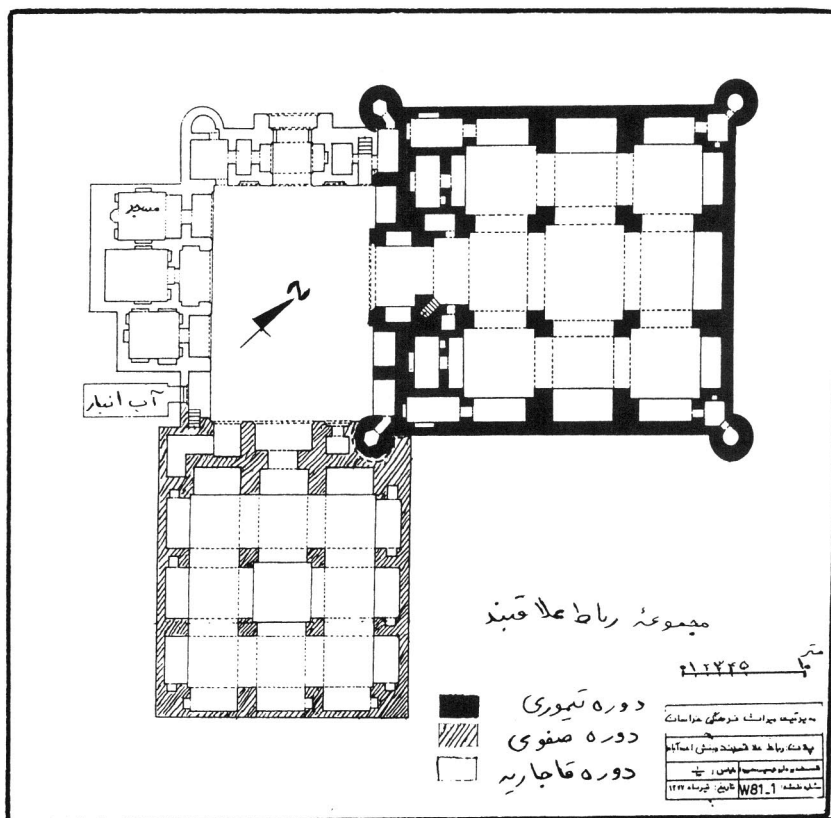
تصویر ۲ - بقایای ابنیه منهدم شده قلعه کوچ کمر و نمای روستای فعلی ده سرخ.



تصویر ۳ - کاروانسرا (رباط) علاقند. این کاروانسرا مشتمل بر سه بنا می باشد که در ادوار مختلف احداث و به یکدیگر متصل شده اند. در تصویر بالا، نمای شمالی و ورودی مجموعه و در تصویر پایین بنای اولیه مجموعه که از نظر ساخت و سازه، نقشه و اجرا شباهت کاملی با رباط فخر داوود دارد، مشاهده می شود.



لوحة ۲ - رباط فخر داود - پلان رباط فخر داود



لوحة ۳ - پلان مجموعه رباط علاقبند

این مکان وجود دارد بزرگترین آنها به قطر حدود ۱۰ متر به نام «برج عارف شاه» معروف است. احتمالاً روستای عارفی نام خود را از این برج اقتباس کرده است. از مسیر راه فعلی، این مکان حدود ۲۰ کیلومتر با مشهد فاصله دارد و از طریق روستای بالندر به منطقه کوهستانی طرّبه راه می‌یابد.

در فاصله ۵ کیلومتری کاروانسرای طرق و در محلی به نام کلاته فاضل و مجاور رودخانه طرق قدیمی‌ترین راه نیشابور به توس خاتمه می‌یابد در واقع کاروانیان پس از طی حدود ۱۰ کیلومتر دیگر از نوغان به تابران می‌رسیدند و سناباد وارد می‌شدند. در این مکان بارزترین اثر باستانی این مسیر قرار دارد و شاید بتوان آن را در نوع خود منحصر به فرد خواند.

بقایای راهی که در دل صخره‌ها تراشیده شده و علاوه بر ارزشهای ویژه خود نمونه‌ای از ارائه تکنیک راهسازی در قدیم می‌باشد.

این اثر را اهالی روستاهای اطراف به نام «راه کهنه فاضل» می‌خوانند راه کهنه فاضل به طرف روستاهای عارفی، بزوشک و ده سرخ امتداد داشته است. عرض راه بین ۲ تا ۶ متر متغیر است و به طور کلی با ابزار اولیه مانند قلم حجاری، دیلم و چکش ساخته شده است.

به این ترتیب که راهسازان صخره‌های سخت را کیلومترها تراشیده و در اماکنی که شیب تپه‌ها زیاد بوده با تعبیه پلکانهای دو طرفه پهن و کم ارتفاع عبور و مرور را سهل و آسان کرده‌اند. در برخی نقاط مسیر صخره‌ای با شیب تند وجود داشته، به ضخامت ۲ متر تراشیده و شیب آن را ملایم و نسبتاً همکف با راه نموده‌اند. دو طرف این قسمت‌ها رشته پلکان و مابین آنها خالی است. در قسمت‌هایی از مسیر که یک طرف آن به دره منتهی می‌شود، تخته سنگهای حاصل از برش پله‌ها را تعبیه نموده تا بدین طریق امنیت آن بیشتر شده و از فرسایشهای مختلف جلوگیری گردد.

بر دیواره شرقی آخرین تپه صخره‌ای و در واقع انتهای راه، جای کتیبه‌ای به صورت طاقنمای جناغی به عمق ۱۰ سانتی متر و عرض ۴۲ سانتی متر و ارتفاع ۱۲۰ سانتی متر تراشیده شده است.

متأسفانه هیچگونه نوشته، و یا جمله‌های بر این کتیبه باقی

نمانده و به طور کلی سائیده شده است احتمال دیگر این است که این قسمت از صخره را جهت نصب کتیبه‌ای سنگی تراشیده‌اند در این صورت این فرورفتگی را بایستی قباب آن کتیبه به حساب آورد که در حال حاضر وجود خارجی ندارد. (تصاویر ۴ و ۵)

اگر چه در حال حاضر نشانه‌ای که بتواند تاریخ احداث این راه صخره‌ای را مشخص کند وجود ندارد اما با استفاده به بقایای زیستگاههایی که قبلاً شرح آنها گذشت این پدیده را می‌توان حداقل به صدر اسلام منسوب نمود و همان راهی به حساب آورد که حضرت رضاع) و همراهانشان پس از گذشتن از ده سرخ بر آن قدم نهاده و به نوغان و سپس به مرو وارد شده‌اند.

با توجه به نحوه اجرای این قسمت از راه، می‌توان گفت که به طور عمده وسایط نقلیه بی چرخ در این راه تردد می‌کرده‌اند. این وسایل را که بر پشت اسب و شتر و استر می‌بستند محمل می‌نامیده‌اند. معروف‌ترین انواع محمل‌ها به صورت کجاوه، پالکی، عماری یا هودج بوده است. (۳۴)

۲- ۱- مسیر دو: مشهد - طرق - شریف آباد -

فخر داوود - قدمگاه - نیشابور:

به استناد آثار و شواهد موجود راه شریف آباد بر جای مسیر ده سرخ از دوره صفوی تا اواخر دوره قاجاریه به عنوان شاهراه مشهد به نیشابور استفاده می‌شد. سفرنامه نویسان دوره قاجاریه شرح نسبتاً کاملی از چگونگی این راه و آثار و ابنیه مجاور آن ارائه کرده‌اند.

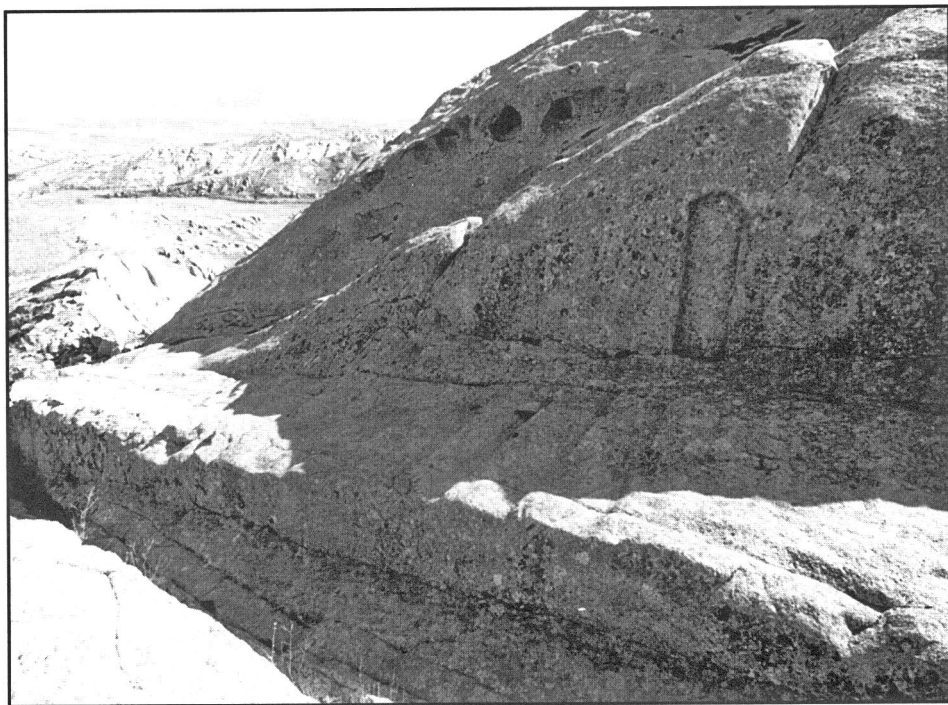
صنیع الدوله در باره این مسیر می‌نویسد: «چون از مشهد مقدس به راه نیشابور و سبزوار عزیمت دارالخلافة طهران نمایند منزل اول اگر چه بر حسب مسافت شریف آباد است اما غالب قوافل و زوار یک شب در طرق که در یک فرسنگ و نیمی شهر مشهد واقع است اقامت می‌نمایند...» در آن زمان بعد از خروج از مشهد مسافری در رباط بابا قدرت^(۳۵) اطراق می‌کردند. این رباط

۳۴- برای اطلاعات بیشتر در مورد وسائط نقلیه در قدیم مراجعه شود به: راه و رباط - صص ۱۵۷ - ۱۶۱.

۳۵- کاروانسرای بابا قدرت در حال حاضر در خیابان ۱۷ شهریور مشهد قرار دارد و توسط اداره بهزیستی خراسان به عنوان انبار استفاده می‌شود و به نام «رباط نوش» شهرت یافته است.



تصویر ۴ - بخشی از راه صخره‌ای موسوم به راه کهنه فاضل



تصویر ۵ - قسمتی انتهایی راه کهنه فاضل که بر تپه‌ای صخره‌ای قرار دارد و مشرف به مشهد انزلی بوده است. در این نقطه، جای کتیبه‌ای بر دیواره صخره تعبیه شده است.

را اسحاق خان قرائی ساخته بود. (۳۶)

سر این کار گذاشته... (۴۲)

امین لشکر در مورد وضعیت این راه در سال ۱۳۰۰ قمری می‌نویسد: «از منزل (از طرق) که حرکت شد در دو جا دو تپه بلند بود و گنبد مطهر دیده می‌شد. با کمال حسرت زیارت و داع کردم. در روی یک تپه که تپه سلام می‌گفتند، (۳۷) مرحوم میرزا محمد خان قاجار سپهسالار سنگ سیاه بلندی نصب کرده و زیارت نامه حک کرده‌اند. و یک روی آن هم بنائی که در ساختن این راه کرده یادگار (۳۸) نوشته‌اند... قدری با کالسکه و درشکه حرکت کردیم. راه امروز نشیب و فراز زیاد داشت. با اینکه تعمیر کرده بودند با نهایت صعوبت حرکت شد و مال و بنه و درشکه من عیب کرد... از راه سنگلاخی که خیلی بد بود عبور کردیم و در عرض راه یک استر و یک قاطر افتاد و یک اسب غلام هم در حال مردن بود...» (۳۹) شیندلر نیز ضمن شکوه و گلایه از سختی عبور از این راه نوشته است در سال ۱۲۸۳ قمری سپهسالار، مخارج فراوانی جهت تعمیر آن صرف کرده است. (۴۰)

در حال حاضر مابین رباط طرق و روستای ده غیبی راهی شوسه به طرف شریف آباد امتداد می‌یابد که به راه کهنه شریف آباد معروف است، در فاصله ۱۶ کیلومتری از رباط طرق و در میان تپه‌های سمت راست، بقایای جاده‌ای سنگ فرش وجود دارد که حدود ۳ کیلومتر آن برجای مانده است. اهالی روستاهای اطراف این راه را جاده انگلیسیها می‌نامند. سطح این راه را با قلوه سنگهای متوسط و به عرض حدود ۵ متر فرش کرده و تپه‌های صخره‌ای مسیر را تراشیده و شیب آنها راملایم و سطح آنها را همسان با دو طرف دیگر راه نموده‌اند. در کنار این جاده و بر بلندترین تپه بقایای بنائی قرار دارد که با سنگ و گل و آجر ساخته شده و تنها پی آن باقی مانده است بایستی این راه سنگ فرش همان جاده ساخته شده توسط نیرالدوله باشد. (تصویر ۶)

به جز این راه سنگ فرش آثار و ابنیه دیگری مابین دو منزل شریف آباد و طرق وجود دارد.

در روستای شریف آباد دو کاروانسرا، در نزدیکی بازه حوض پایین یک کاروانسرا، در کنار چشمه چنار یک زیستگاه باستانی مربوط به قرون سوم تا ششم هجری و بالاخره کاروانسرای طرق وجود دارد.

صنایع الدوله کتیبه سنگی یادبود تعمیر این راه را توسط سپهسالار در ۳ کیلومتری مابین روستای بازه حوض و شریف آباد دیده و متن آن را در مطلع الشمس آورده است. (۴۱) افضل الملک در سفرنامه خود به سال ۱۳۲۰ هجری در خصوص مسیر بین طرق و شریف آباد می‌نویسد: «من در دو سفر سابق که از این راه آمده بودم از فراز و نشیب و پست و بلندی و سنگلاخ و پرتگاههای این راه یعنی از شریف آباد تا طرق بستوه آمدم. و این چهار فرسخ طوری بود که باید از سرکوها و تپه‌های بلند از یک راه باریک ناصاف پرسنگ عبور کرد، که اگر اسب لغزش پیدا می‌کرد راکب و مرکوب از پرتگاهها به دره می‌افتادند... مکرر کالسکه و درشکه در این راه می‌شکست...» و در مورد مرمت اساسی آن می‌گوید: «...سلطانحسین میرزای نیرالدوله والی و فرمانفرمای حالیه خراسان فرزند مرحوم پرویز میرزای نیرالدوله فرزند فتحعلیشاه... پانزده هزار تومان به مصارف ساختن این راه رسانده، مهندسین و اجزاء بسیار در سر این کار گماشته، یک سال زحمت کشیده تا این جاده پرخطر را صاف و هموار کردند... دامنه کوهها را با هندسه صحیح بریده... شش فرسخ راه... صاف نمودند. سه مهندس بزرگ بر

۳۶- مطلع الشمس - همان - ص ۱۰۴.

۳۷- در گذشته زائرین حضرت رضا(ع) در هنگام ورود به مشهد یا خروج از آن بر روی اولین تپه‌ای که مشرف به شهر بوده و حرم آن حضرت رؤیت می‌شده، مراسمی کوتاه شامل زیارتنامه خوانی برپا می‌کردند و سلام می‌فرستادند از این رو این مکان را تپه سلام می‌خوانده‌اند البته در مسیرهای دیگر نیز این تپه‌ها وجود داشته لکن شهرت تپه سلام مسیر شریف آباد بیشتر از همه بوده و به شکل اسم خاص اطلاق می‌شده است. در حال حاضر در کنار جاده آسفالتی لی نیشابور روستایی به نام تپه سلام وجود دارد.

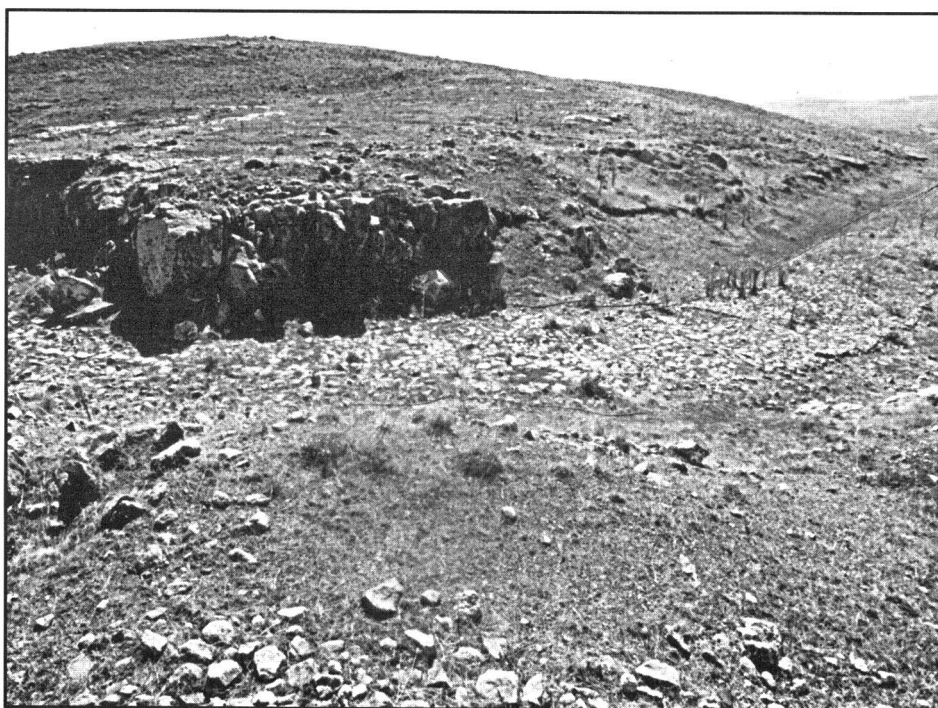
۳۸- ادوارد بیت نیز از کتیبه تپه سلام یاد کرده و نوشته است که در جوار تپه سلام کتیبه‌ای با اشعار فارسی و زیارت نامه حضرت رضا(ع) به شکل افراشته و از جنس مرمر سیاه رنگ وجود داشته است. خراسان و سیستان - ج ۱. بیت - ترجمه قدرت ا... روشنی و م. رهبری - انتشارات یزدان - ۱۳۶۵ - ص ۲۶۸.

۳۹- روزنامه سفر خراسان - میرزا قهرمان امین لشکر - به کوشش: تیرج افشار - محمد رسول دریاگشت - انتشارات اساطیر - تهران ۱۳۷۴ - ص ۱۷۸.

۴۰- سه سفرنامه - ص ۱۹۹.

۴۱- مطلع الشمس - صص ۸۱۲ و ۸۱۳.

۴۲- سفرنامه خراسان و کرمان - صص ۵۲ تا ۵۴ و ۱۱۱.



تصویر ۶ - قسمتی از راه سنگ فریش مابین طرق و شریف آباد

معروف به «رباط کلمبه» قرار دارد. این رباط به سبک سرپوشیده بوده و با مصالح آجر و سنگ ساخته شده است.

رباط کلمبه را عباس میرزا نایب السلطنه و فرزند فتحعلیشاه احداث نمود و بعداً به فرمان حسام السلطنه تعمیر گردید.^(۴۷) در حال حاضر سقف این بنا فرو ریخته و آسیب زیادی به آن وارد شده است.

صنیع الدوله در مورد این رباط نوشته است: «...تقریباً یک فرسخ به شریف آباد مانده کاروانسرای آجری مسقفی است موسوم به کلمبه که ده دوازده طاق دارد...»^(۴۸)

در کنار راه و نزدیک رباط کلمبه تپه‌ای صخره‌ای به ارتفاع حدود ۸۰ متر قرار دارد. روی قلّه و دامنه شمالی این کوه به وسعت حدود ۵۰ متر مربع آثار سکونت انسان شامل بقایای ابنیه‌ای لاشه سنگی وجود دارد. وجود چشمه‌ای پرآب به نام چشمه چنار در

اکثر سفرنامه نویسان دوره قاجاریه مشخصات منزل شریف آباد را در نوشته‌های خود آورده‌اند. چرا که در این دوره شریف آباد در مسیر شاهراه مشهد - نیشابور قرار داشته و همانگونه که ذکر شد اولین منزل بعد از طرق محسوب می‌شده است.

سرپرستی سایکس با ذکر نام دو باب کاروانسرای واقع در شریف آباد، این مکان را از جمله ناامن‌ترین و خطرناکترین نقاط بین راه ذکر کرده است.^(۴۳) در شریف آباد دو باب کاروانسرا؛ یک حمام و یک چاپارخانه وجود داشته است.

این دو کاروانسرا در دو دوره ساخته شده‌اند. کاروانسرای سرپوشیده در زمان شاه عباس ساخته شده و در سال ۱۰۲۲ تعمیر گردیده است.^(۴۴) در دوره قاجاریه حسینخان نظام الدوله غرفه‌هایی در مقابل درب ورودی آن احداث و به آن الحاق نمود.^(۴۵) کاروانسرای دیگر به وسیله اسحاق خان قرائی در عهد فتحعلیشاه قاجار و در سال ۱۲۲۴ هجری قمری ساخته شده است.^{(لوحه ۴) (۴۶)}

به فاصله حدوداً ۶ کیلومتری شریف آباد روستای بازه حوض پایین قرار دارد. خارج از روستا و در کنار راه بنای

۴۳- ده هزار میل در ایران - سرپرستی سایکس.. ص ۳۲.

۴۴- سه سفرنامه - ص ۱۹۹ و روزنامه سفر خراسان - ص ۱۷۹.

۴۵- سفرنامه خراسان و کرمان - ص ۵۲.

۴۶- مطلع الشمس ص - ص ۸۱۴ و ۸۱۵.

۴۷- سه سفرنامه - ص ۲۰۰.

۴۸- مطلع الشمس - ص ۸۱۲.

مجاورت این زیستگاه از دیرباز امکان زندگی را تا عصر حاضر فراهم آورده است.

لازم به ذکر است رشته‌ای فرعی از راه باستانی نیشابور به توس (مسیر شماره یک) از این قسمت گذشته و ده سرخ را به عارفی متصل می‌کرده است و اهالی محل اعتقاد دارند چشمه چنار همچون چشمه ده سرخ پراثر معجزه حضرت رضا(ع) به وجود آمده است.

به استناد قطعات ظروف سفالی موجود در زیستگاه باستانی چشمه چنار از جمله ظروف لعابدار سبز رنگ و نقش‌کننده زیر لعاب، زرین فام اولیه و با لعاب فیروزه‌ای می‌توان آن را به قرون اولیه تا ششم هجری منسوب نمود.

طرق محل تلاقی چند راه بوده است که دو شاخه آن توس و نیشابور را به همدیگر متصل می‌کرده است. وجود تپه نادری در این نقطه حکایتگر رونق این شاهراه از حداقل هفت هزار سال قبل تا عصر حاضر می‌باشد در واقع تمامی راههای منتهی به نواحی شرقی و جنوبی توس در حول و حوش این زیستگاه باستانی به هم می‌پیوسته است.

طرق اولین منزل خروج از مشهد و آخرین منزل از نیشابور، کرمان و هرات بوده است. در ۱۲۹۸ هجری دو کاروانسرا در این مکان وجود داشته که یکی از آنها به دستور شاه عباس و دیگری توسط شخصی به نام محمد تقی کرمانی در زمان شاه سلیمان صفوی بسال ۱۰۸۰ هجری احداث گردید. کاروانسرای منسوب به شاه عباس که به حالت نیمه مخروبه بوده به دستور ناصرالدین شاه و به وسیله اسکندر بیگ فراشباشی تخریب و از آجرهای آن جهت ساختن بنایی دیگر در مقابل کاروانسرای شاه سلیمان استفاده شد. به این ترتیب کاروانسرای تابستانی و زمستانی و متصل به هم مربوط به دوره صفویه و قاجاریه تشکیل گردیده و به صورت فعلی بر جای مانده است.^(۴۹)

کاروانها و مسافرین پس از طی مسافتی حدود ۹ کیلومتر، از یکی از دو دروازه پایین خیابان یا عیدگاه وارد مشهد می‌شدند.^(۵۰) و خیل عظیم مسافر و زوار در ۹۰ باب کاروانسرای کوچک و بزرگ داخل مشهد اقامت می‌کردند.^(۵۱)

البته در کنار راه آسفالت‌ه فعلی مشهد - نیشابور دو بنای

کوچک وابسته به راه به نام رباط باش ساوج و رباط خاکستری وجود دارد که از نظر مصالح ساختمانی و نحوه معماری تقریباً همسان با هم و به صورت سرپوشیده و غیر استاندارد اجرا شده‌اند. اما لازم به ذکر است این دو بنا در قدیم در کنار شاهراه هرات و یکی دیگر از انشعابات راه نیشابور قرار داشته و توس را از طریق سنگ بست به مناطق شرقی و از طریق رباط جهان آباد^(۵۲) و رباط سفید به مناطق جنوبی و مرکزی ایران متصل می‌کرده است.

با توجه به سبک و سیاق اجرایی و شیوه معماری و بررسیهای کالبدی، احداث رباط خاکستر(خاکستری) را می‌توان به دوره سلجوقی منسوب نمود که در ادوار بعدی به خصوص دوره صفوی تعمیر گردیده و اصطبل سمت غرب به آن متصل و دیوارهایی جهت حفاظت به دهانه ورودی جنوبی الحاق شده است. فضای داخلی بنا شامل یک تالار با سقفی گنبدی است که بر روی دو ستون بزرگ مربع شکل اجرا شده است. چند اطاق کوچک و متوسط را در گوشه و کنار تالار و زوایای آن تعبیه کرده‌اند. ورودی شمالی به صورت دالانی کم ارتفاع و کوچک به فضای پشتی تالار مرکزی و از آن طریق به بقیه قسمت‌ها راه می‌یابد. چند فضای دیگر نیز در قسمت بیرونی وجود دارد که به علت مسدود بودن، کاربری آنها مشخص نشد. لکن با توجه به

۴۹- مطلع الشمس - ص ص ۸۰۴-۸۰۶ و سه سفرنامه - ص ص ۲۰۰ و سفرنامه خراسان و کرمان ص ۵۲ و گزارش گمانه زنی کاروانسرای طرق - حسین عباس زاده - ۱۳۷۷ منتشر نشده.

۵۰- مطلع الشمس - ص ص ۸۰۴.

۵۱- جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان خارجی - ابوالقاسم طاهری - انتشارات شاهنشاهی - بی تا - ص ص ۲۴. (به نقل از تامسون).

۵۲- در فاصله حدوداً ۳۸ کیلومتری جنوب مشهد و در نقطه‌ای که شاهراه مشهد به دو شاخه اصلی تقسیم شده و به نیشابور(غرب) و تربت حیدریه (جنوب) منشعب می‌گردد و در فاصله حدوداً ۱۳ کیلومتری شرق مجموعه تاریخی سنگ بست تپه‌ای باستانی قرار دارد و در قسمت غربی این تپه بقایای بنایی بزرگ مربع شکل آجری با دیوارهای قطور وجود دارد که پی اتاقهای آن قابل مشاهده است. این مکان هم اکنون نیز به رباط معروف است و متأسفانه بخش عمده‌ای از آجرهای آن را اهالی روستای داشتخانه از زیر خاک بیرون آورده و در ساخت منازل خود استفاده کرده‌اند. سفالهای متنوع این محوطه شباهت کاملی با قطعات ظروف سفالی سنگ بست داشته و مربوط به دوران غزنوی و سلجوقی می‌باشند.

وجود اطاقکها و نحوه جاسازی آنها در کالبد بنا، کاربری رباط خاکستری، علاوه بر استراحتگاه کاروانیان و بنائی وابسته به راه به عنوان چله خانه و عزلتگاه صوفیان و دراویش نیز در ذهن تداعی می‌کند. رباط باش ساروج نیز با مختصر تفاوت‌هایی همین وضعیت را داشته است. (تصاویر ۷ و ۸ - لوحه ۵)

سبکتگین و همراهانش در سال ۴۲۲ هجری و در جریان یک سفر جنگی از هرات به نیشابور در «منزل خاکستر» یک روز اطراق نمود و به دراویشی که در این مکان سکونت داشتند مقدار زیادی صدقه بخشید. (۵۳)

لازم به ذکر است کاروانسرا و رباط در صدر اسلام از نظر مفهوم و کاربری اختلافاتی با یکدیگر داشته‌اند. (۵۴)

۲ - مسیرهای کوهستانی

کوههای رفیع بینالود همچون دیواری عظیم، دشتهای حاصلخیز شمالی و جنوبی خود، یعنی نیشابور و توس را از یکدیگر جدا کرده و در ظاهر امکان وجود هر گونه راه ارتباطی و عبور از این مناطق را منتفی نمایانده است. لکن دره‌های پر پیچ و خم و خوش آب و هوای میان این رشته کوه از دیرباز تاکنون مسیری میان بُر و راههای یزددیکتر از دو شاهراه قبلی را برای عابرین و مسافرین پیاده و لشکریان فراهم آورده است. دره‌ها و روستاهای دوسوی رشته کوه بینالود، چه آنهای یکه در حاشیه دشت نیشابور واقع و مربوط به این شهر بوده‌اند و چه روستاهای سمت طوس و مشهد از قدیم الایام از طریق شبکه‌ای از راههای مالرو و پیاده رو به یکدیگر متصل می‌شده و دائماً با هم ارتباط داشته‌اند.

عمده‌ترین این مسیرهای کوهستانی دو راه اصلی بوده‌اند، یکی از طریق درّود - طرقله و دیگری از خرو - زشک - ویرانی، نیشابور را به طوس و مشهد مرتبط می‌کرده است، البته در فصل زمستان به علت برف گیر بودن گردنه‌ها و دره‌ها عبور از آنها بسیار مشکل و راهها عملاً مسدود و عبور و مرور برای مسافرین غیر ممکن بوده است، از این رو در زمستانهای پر برف تمامی کاروانها تا دوره صفوی از راه ده سرخ و از دوره صفوی به بعد از مسیر شریف آباد یعنی از دامنه‌های بینالود مسافرت می‌کردند. در فصول دیگر بخصوص فصل تابستان دره‌های

باطراوت و خوش آب و هوای خرو و درّود در دامنه‌های جنوبی و زشک و کنگ و جاغرق و مایان در سمت شمالی این رشته کوه مسیری پر رفت و آمد بوده و از دیرباز تا عصر حاضر مورد استفاده قرار می‌گرفته است. هم اکنون نیز این راه محل نقل و انتقال محصولات باغات و ارتباط اهالی می‌باشد و از طرفی مقرون به صرفه بودن این مسیر باعث شده که اخیراً در صدر احیاء آن برآیند و به منظور ارتباط گسترده بین مشهد و نیشابور اقدامات اولیه جهت تعریض و ترمیم آن انجام دهند.

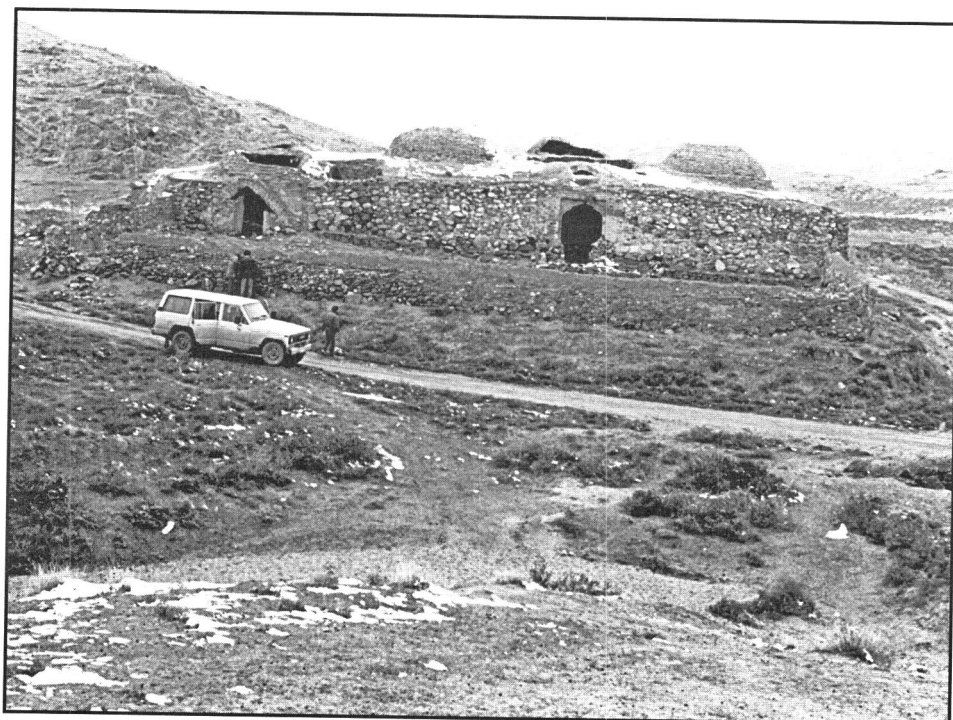
سابقه استفاده از مسیرهای یادشده را شاید بتوان به چند هزار سال قبل بازگرداند اما بر اساس متون تاریخی و آثار و شواهد موجود به یقین می‌توان اظهار داشت که رفت و آمد مسافرین از این راهها حداقل از قرون اولیه انجام می‌گرفته و بطور مستمر در طول صدها سال تا به امروز ادامه داشته است.

نام تعداد زیادی از روستاهای منطقه با اندک تغییراتی و یا به صورت امروزی در برخی متون تاریخی و بخصوص در تاریخ حافظ ابرو ذکر شده است (۵۵). در فاصله ۲۵ کیلومتری شرق نیشابور روستای بزرگ و آباد خرو علیا قرار دارد.

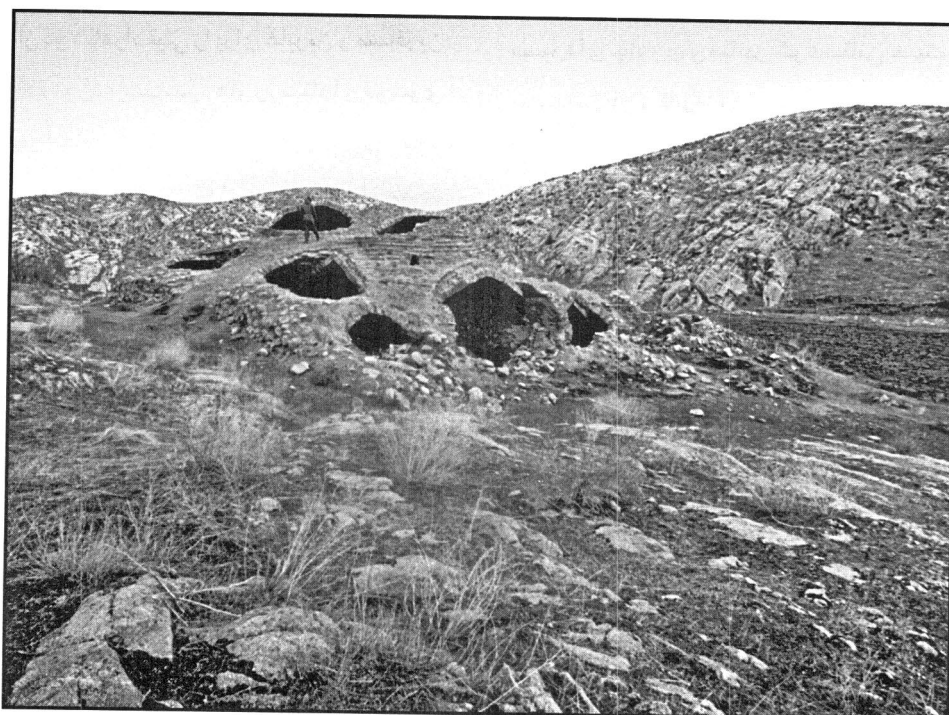
در این مسیر خرو اولین منزل پس از نیشابور و یکی از مسیرهای چاباری و میانبر کوهستانی جهت ورود به توس و مشهد (نوغان و تابران) محسوب می‌شده است. در واقع راه توس از کنار رودخانه بزرگ خرو به طرف کوههای مرتفع موسوم به تخت عوض، سیاه خوانی، کوه راه سنگ سفید منشعب شده و از روستاهای زشک، ابرده، شاندین، ویرانی، گذشته و در این حوالی از طرف شمال به تابران و از سمت شرق به نوغان و سناباد کهن و مشهد فعلی می‌رسیده است.

۵۳- تاریخ بیهقی، ابوالفضل محمد حسین بیهقی، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، انتشارات مهتاب، بی جا، ۱۳۷۶، صفحه ۲۴۸، خطیب رهبر در حواشی کتاب در مورد منزل خاکستر توضیح داده و این منزل را محل فعلی رباط خاکستری مشهد ذکر کرده است. ضمن اینکه علاوه بر گفته‌های فوق در مورد قدمت بنا، بجز رباط خاکستری فعلی مکان دیگری به این نام در منطقه مشهد و توس وجود ندارد.

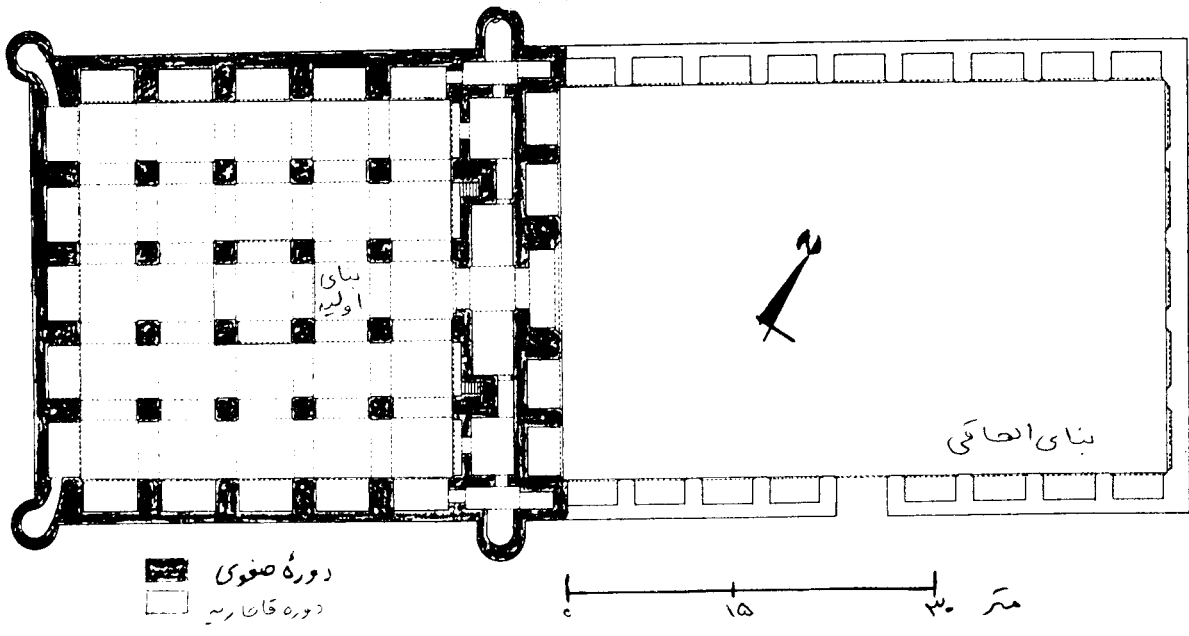
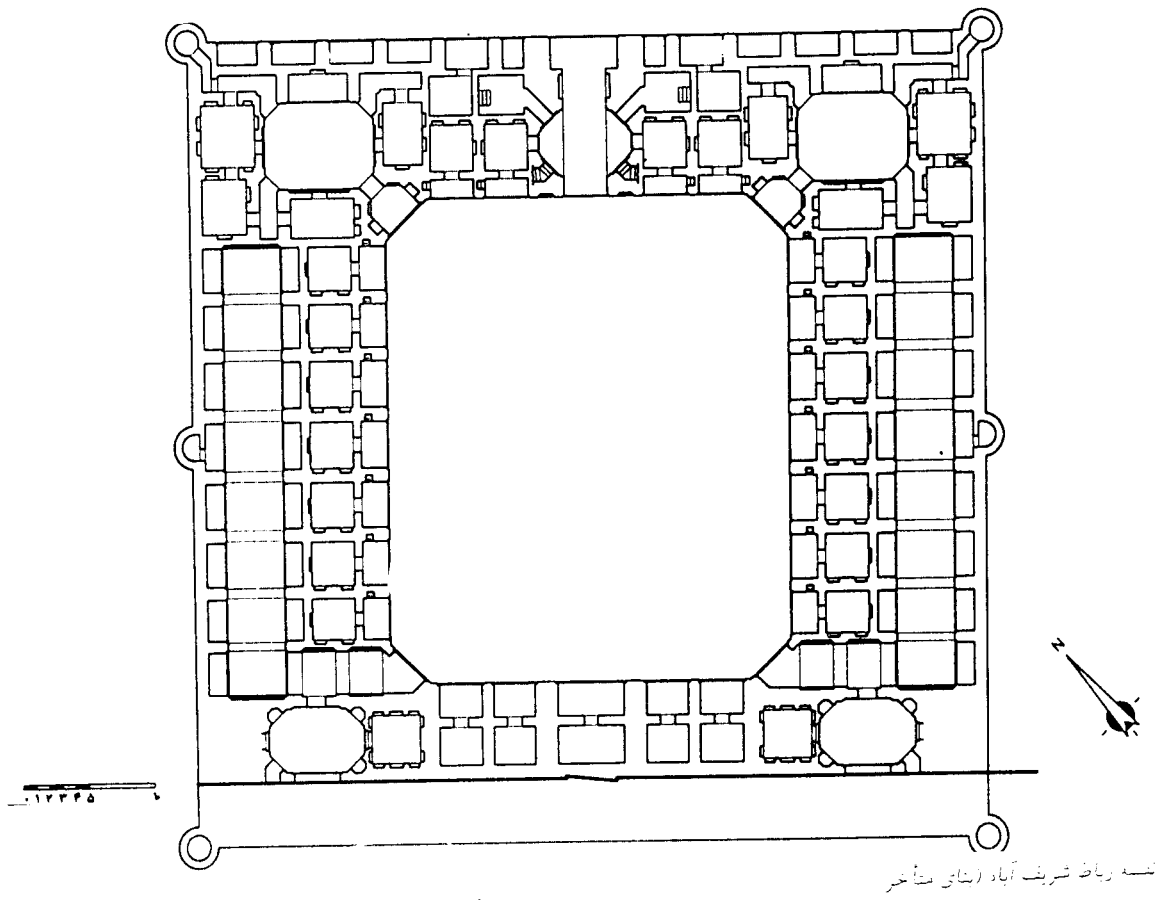
۵۴- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: مقاله دگر دسی در مفهوم و کاربری رباط - رجبعلی لباف خانیکی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی تابستان ۱۳۷۹.



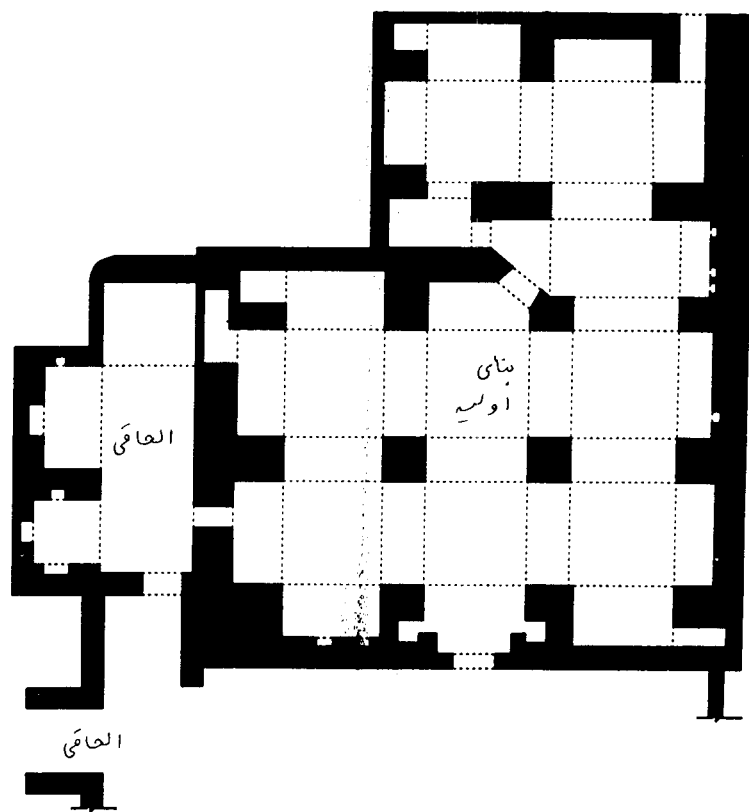
تصویر ۷ - نمای جنوبی رباط خاکستری - این بنا در مجاورت جاده آسفالتی قرار دارد و یک راه قدیمی از کنار آن می‌گذرد.



تصویر ۸ - نمای پشت بام رباط باش ساروج.



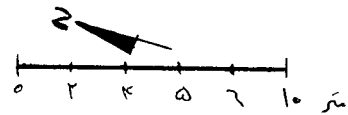
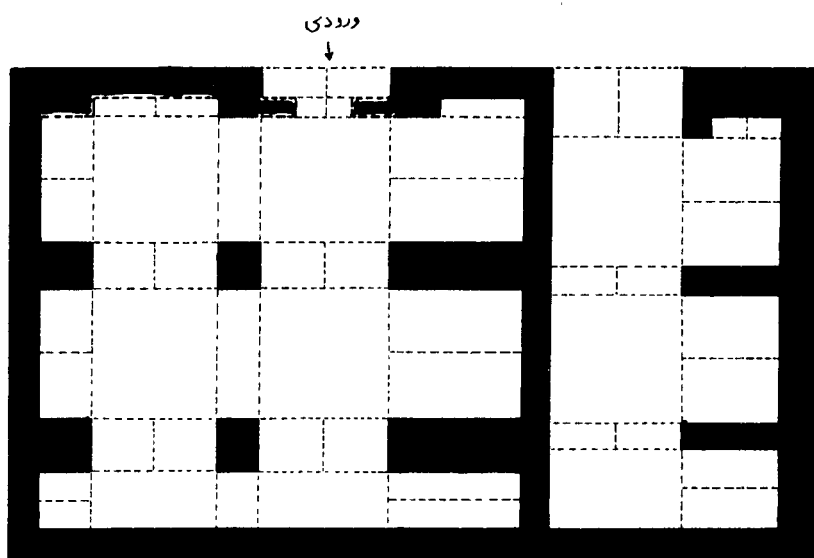
لوحة ۴ - پلان کاروانسرا شریف آباد (بنای متقدم)



متر ۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی خراسان

IRANIAN CULTURAL HERITAGE DOCUMENTATION CENTER

پلان رباط خاکستری



مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی خراسان	
هیئت بررسی و شناسایی مشهد	پلان: رباط باش ساروج نقشه بردار و ترسیم: هویدا کنترل: مختاری
امضای ۱۳۷۸	

پلان رباط باش ساروج

لوحة ۵

ابن حوقل راه کاروانروی نیشابور به توس را سه منزل توصیف کرده و در باره مسیر کوهستانی می‌گوید: «وگاهی مردم پیاده از نیشابور حرکت می‌کنند و از گردنه‌ای که نیشابور در کمر آن است بالا رفته به توس می‌رسند و این یک منزل است...»^(۵۶)

ابوسعید ابوالخیر در سفرهای متعدد خود از مشهد به نیشابور بارها در این مسیرها رفت و آمد کرده است. در یکی از این سفرها در نزدیکی زشک بر اثر حرکت نابجای اسب پای ابوسعید به سختی آسیب می‌بیند و به همین سبب وی را بر روی تخت و بر روی دست به طوس و از آنجا به مهنه منتقل کردند^(۵۷) در سال ۴۲۵ هجری جمع زیادی از اهالی طوس جهت غارت نیشابور از راه گردنه خرو و مسیر مذکور در حرکت بودند و در این محل توسط احمد علی نوشتگین سردار سلطان مسعود غزنوی شکست خورده و تار و مار شدند.^(۵۸)

در کنار این راه از خرو نیشابور تا روستای ویرانی طوس شش باب استراحتگاه و چند اثر دیگر وجود دارد.

استراحتگاههای خرو در کناره رودخانه بزرگ با ابعاد کوچک خود تنها پذیرای تعداد اندکی از مسافریان بوده‌اند. این ابنیه کوچک اقامتگاهی کوتاه مدت برای عابریان و در حد یک استراحت چند ساعته و حداکثر یک روزه و در واقع پناهگاه بوده‌اند. در فاصله سه کیلومتری شمال خرو علیا و در محلی بنام چشمه علی اولین رباط خرو قرار دارد این بنا با مصالح سنگ و ملاط ماسه گچ ساخته شده است. پلان بنا بصورت چهار تاقی می‌باشد و گنبدی بصورت عرقچین بر فراز آن استوار گردیده است. دومین بنا با همان سبک و سیاق و در فاصله ۱۰ کیلومتری و سومین بنا به فاصله ۲۰ کیلومتری قرار دارد.^(۵۹)

یکی دیگر از این استراحتگاههای موقت بر فراز کوه شرقی قله بینالود بنام «یال رباط» و در محدوده بخش طرقله مشهد و به فاصله حدوداً ۱۷ کیلومتری جنوب جاغرق قرار دارد. این بنا را اهالی روستاهای اطراف «رباط سرکوه یا رباط چشمه بلبل» می‌نامند. در واقع این بنا یکی دیگر از پناهگاههای اضطراری و نجات بخش عابریان و مسافریان خسته این قسمت از مسیر نفس گیر و پرفراز و نشیب بوده است. رباط چشمه بلبل با سنگ و ملاط ماسه گچ ساخته شده و سقف گنبدی آن روی دو پایه مربع شکل

تعبیه گردیده است. در این نقطه راه از یک طرف به جاغرق و از سمت دیگر به درود سرازیر می‌شود.

پس از این بنا و در محل اتصال دره جاغرق و کوه یال رباط و در کناره راه خاکی خرو - جاغرق و به فاصله حدوداً ۱۱ کیلومتری جنوب روستای جاغرق بقایای بنائی مستطیل شکل بنام رباط پایگذار یا پای کوه جاغرق قرار گرفته است.

بیت این منطقه را مورد بررسی قرار داده و مشخصات آن را شرح داده و به اتفاق همراهانش در این بنا اطراق کرده است. وی می‌گوید: «...از جاغرق ۹ مایل به سمت بالا در طول رود پیش رفتیم تا به رباط پایگذار رسیدیم. در حقیقت از یک بنای سنگی کوتاه که به عنوان اصطبل به کار گرفته می‌شد و چند خانه کوچک تشکیل می‌شد. بام این رباط جای هموار مناسبی بود، ما از دوگاه خود را بر بالای آن برافراشتیم تعدادی از افراد رزیر و درون این خانه‌ها مستقر شدند و حیوانات نیز جلوی اصطبل جای داده شده و افسارشان را بستند. راهی که از این گردنه می‌گذرد، راه مستقیم بین مشهد و نیشابور است و در فصل تابستان زوآر و کاروانها در آن زیاد آمد و شد می‌کنند. این مسیر ر طول زمستان از ماههای نوامبر تا مارس (مصادف با آبان تا اواخر فروردین) بر اثر بارش برف مسدود است...» سپس در ادامه می‌افزاید: «...راهی که از جاغرق به طرف بالا می‌رفت بسیار سخت و سنگی بود نزدیک به سه مایل پیش رفتیم تا به بالای گردنه و بعد از یک ساعت بالا رفتن در کنار کلیه‌ای که برای حفاظت مسافران در طوفان بنا شده بود به قلّه‌ای رسیدیم...»^(۶۰) بنظر می‌رسد منظور

۵۵- جغرافیای تاریخی خراسان - حافظ ابرو - تصحیح و تعلیقات: غلامرضا ورهرام - انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. صص ۳۷ و ۶۰.

۵۶- صوره الارض - ابن حوقل - ترجمه دکتر جعفر شعار، انتشارات امیر کبیر - تهران صفحه ۱۸۷.

۵۷- اسرار التوحید - بخش اول - صفحه ۴۹.

۵۸- تاریخ بیهقی - جلد دوم - صفحه ۴۲۵.

۵۹- مرحوم مهندس پیرنیا در ذکر ویژگیهای ساختمانهای وابسته به راه برای بناهای کوچک و سرپوشیده‌ای که در مسیر راههای بیرون شهر ساخته شده‌اند و به منظور رفع خستگی و اندکی آسودن مورد استفاده بوده‌اند واژه ساباط را به کار برده است. راه و رباط صص ۱۲۲

۶۰- خراسان و سیستان - صص ۳۲۵ و ۳۲۶.

وی از کلبه مزبور، رباط چشمه بلبل بوده که شرح آن در سطور قبلی گذشت.

رباط پایگذار جاغرق مشتمل بر بنایی مستطیل شکل بوده به طول ۲۴ متر و عرض ۱۵/۵ متر که ضلع جنوبی آن بر بدنه کوه تکیه داشته است و درب ورودی آن به طرف شمال و مشرف به راه باز می‌شود.

فضای داخلی رباط به ابعاد $۸/۲۰ \times ۱۹/۵۰$ متر می‌باشد که جمعاً ۲۰ غرفه دور تا دور آن و در چهار ضلع بنا تعبیه گردیده است. چهار ستون مستطیل شکل قطور به طول ۲/۲۰ متر و عرض ۱/۵۰ متر سقف بنا را بر خود حمل می‌کرده‌اند.

ورودی رباط به عرض ۲ متر از طریق غرفه میانی که به حالت دالانی کوچک درآمده، مستقیماً به فضای مستطیل شکل و ستوندار داخلی گشوده می‌شده است. در دو سوی دهانه ورودی تخته سنگهای مکعبی شکل بزرگ به بدنه جاسازی شده که از دیوارها بیرون زده شده‌اند. (لوحة ۶)

این زائده‌ها را می‌توان به عنوان مال بند محسوب نمود.

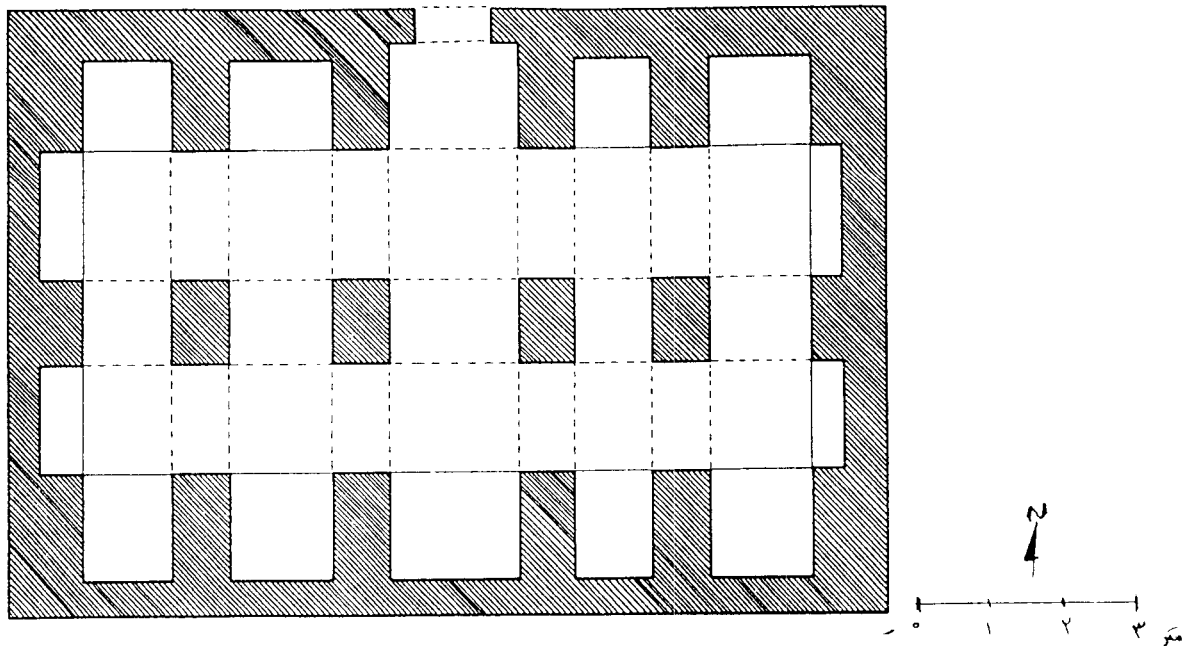
غرفه‌های چهار گوشه رباط با حالتی اطاق مانند فضاهایی نسبتاً مستقل را تشکیل داده‌اند بنحوی که می‌توان آنها را بعنوان مکانی

در نظر گرفت که توسط افرادی خاص استفاده می‌شده است. مصالح بنا را کلاً تخته سنگهای کوچک و بزرگ مکعبی و نامنظم و ملاط ساروج تشکیل می‌دهد. این تخته سنگها در محیط اطراف به وفور وجود دارند.

با توجه به بقایای اندود گچ بر دیوارهای باقیمانده بنظر می‌رسد تمامی سطح دیوارهای داخلی با ماسه گچ اندود و ماله کشتی شده و حواشی زوایای دیوارها با شمشمه قرنیز بندی گردیده است.

در حال حاضر آنچه از این بنا بر جای مانده شامل دیوار ضلع شمالی و ورودی به ارتفاع حداکثر ۵ متر، دیوارهای غرفه‌ها و اضلاع دیگر و پایه‌های مستطیل شکل به ارتفاع حداکثر یک متر می‌باشد. سقف بنا بطور کلی فرو ریخته و تنها گوشه سقف اطاق زاویه جنوب غربی باقی مانده است که بر اساس آن می‌توان اظهار داشت سقف بنا بصورت گنبدی و ضربی بر روی ستونهای مرکزی حمل می‌شده است.

با توجه به شواهد ظاهری و کلیت اجرای بنا بخصوص وضعیت بدنه خارجی، می‌توان اظهار داشت که این بنا یکی از رباطهای کوهستانی دوره سلجوقی بوده است.



لوحة ۶ - پلان رباط پایگذار جاغرق
ترسیم - هویدا - کنترل بختیاری

لازم به ذکر است بنای دیگری بنام رباط ویرانی که شرح آن در صفحات بعد خواهد آمد، صرفنظر از ورودی، ستونهای میانی و مصالح ساختمانی مشابه رباط جاغرق احداث و به احتمال از آن اقتباس شده است.

پس از این رباط راه مشهد از کنار رودخانه به طرف روستاهای عنبران و جاغرق امتداد یافته و پس از عبور از طرفه و گلستان پس از طی کیلومتر به مشهد می‌رسیده است. انشعابات دیگری نیز به سمت روستاهای سه گانه میان و روستای دهبار وجود داشته است.

راه دیگری نیز به سمت غرب پیچیده و پس از طی گردنه‌ای پرپیچ و خم و راهی باریک به قله کوهی می‌رسد که حدود ۱۰۰۰ متر از سطح دره ارتفاع دارد. از آن پس راه سرازیر شده و پس از پیچ و خمهای زیاد به دره رودخانه بزرگ گنگ می‌رسد.

در ابتدای این رودخانه بنای کوچک دیگری وجود دارد بنام رباط پایگدار گنگ، برای احداث این بنا ابتدا محدودهای به وسعت ۱۲×۱۲ متر در پای کوه حفر گردیده و سپس در این حفره دیوارهای بنا برپا شده است. ورودی به عرض $۱/۶۵$ متر به سمت جنوب شرق گشوده می‌شود فضای داخلی بنا متشکل از محدوده‌ای چلیپا شکل می‌باشد. بدین صورت که ۴ ایوان با تاق جناغی کند به ابعاد $۲/۶۰ \times ۲ \times ۲/۵$ متر در اطراف محوطه مربع شکل مرکزی تعبیه شده و با ایجاد گوشه سازی بصورت گوشواره، سقف گنبدی و عرقچین شکل رباط بر فراز آن استوار گردیده است، محدوده مرکزی حدود ۶ متر مربع وسعت دارد. پشت بام بنا را به منظور بارانداز مسطح کرده‌اند، این بنا یکی از ابنیه وابسته به راه و از جمله پناهگاههای کوهستانی کوچک محسوب می‌شده که می‌توانسته است جان پناه موقت و اضطراری مسافری این مسیر باشد.

مصالح ساختمانی بنا را همچون رباط پایگدار جاغرق سنگهای لاشه تخته‌ای و ملاط ساروج تشکیل می‌دهد. در خصوص تاریخچه یا قدمت ساخت این بنا مدارکی وجود ندارد، اما با توجه به نوع کار می‌توان تاریخ ساخت آن را دوره قاجاریه قلمداد نمود. (لوحه ۷)

از این بنا راهی پرپیچ و خم بطول حدود ۱۱ کیلومتر در میان درّه و باغات مصفاً و پر درخت و از کنار رودخانه بزرگ تا

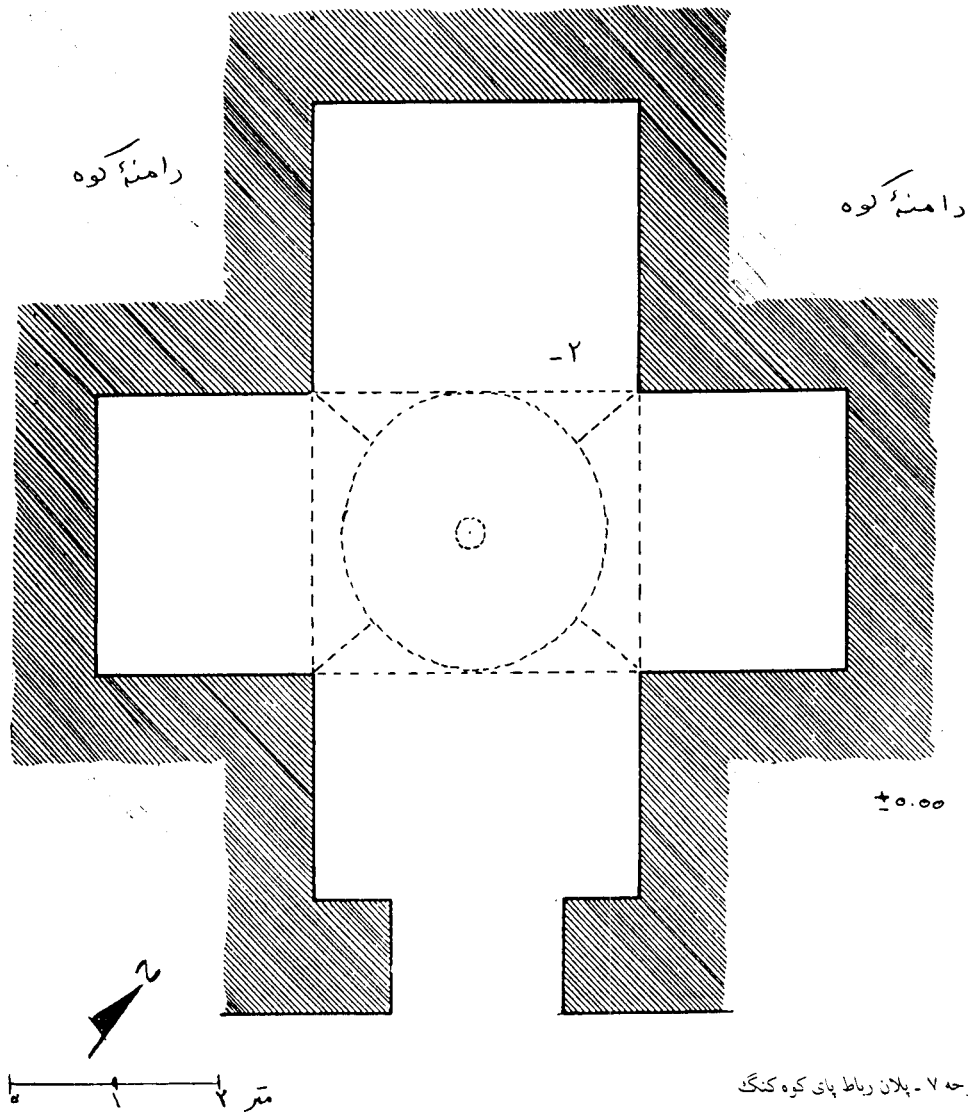
روستای گنگ امتداد دارد. شایان ذکر است اهالی گنگ در حال حاضر نیز محصولات خود را بوسیله وانت بار یا کامیون از این مسیر به مشهد یا نیشابور منتقل می‌کنند.

۴ اثر تاریخی - فرهنگی دیگر در حوالی روستای گنگ وجود دارد. قبرستانی با سنگ قبرهای مسطح و قلوهای مربوط به قرون دهم تا عصر حاضر، بقایای قراول خانه‌ای مربوط به دوره صفوی بر فراز تپه‌ای به ارتفاع ۸۰ متر در میانه روستا، مزار شیخ عبدالله در میان باغات و بقایای قلعه‌ای بنام قلعه حصار در فاصله حدوداً ۸ کیلومتری گنگ. البته بافت معماری روستا نیز از ارزش خاص برخوردار است که در جای دیگری به همراه روستاهای تاریخی - فرهنگی کوهستانی مشهد به آنها پرداخته خواهد شد. آرامگاه شیخ عبدالله شامل بنایی مربع شکل کوچک است به ابعاد $۴/۲۵ \times ۴/۲۵$ متر. این بنا در میان باغات پر درخت و دره‌ای خوش آب و هوا و حدود ۵۰۰ متری غرب گنگ قرار دارد و با مصالح لاشه سنگ و ملاط گل ساخته شده و سقفی گنبدی و عرقچین مانند بر فراز آن استوار گردیده است. سطح دیوارهای داخلی مقبره را با گچ اندود کرده‌اند. سنگ قبر اصلی به ابعاد ۱۵۰×۵۵ سانتی متر از نوع سنگهای قلوهای رودخانه‌ای در میان اطاق مقبره قرار دارد و دو سنگ قبر دیگر که کتیبه آنها از سنگ مزبور استنساخ شده بر دیوار آرامگاه نصب گردیده است.

متن کتیبه سنگ قبر اصلی بر اثر مرور زمان و تماس مداوم دست زوار فرسایش پیدا کرده و تقریباً ناخواناست لکن در میان برخی از کلمات نام شیخ عبدالله و تاریخ ۷۱۲ قابل تشخیص می‌باشد.

متن کتیبه سنگ سمت راست که به خط نستعلیق بر روی تخته سنگی به ابعاد ۸۸×۵۰ سانتیمتر نوشته شده (و با توجه به شیوه اجرای کار بنظر می‌رسد مربوط به دوره قاجاریه باشد و در آن دوره از روی سنگ اصلی اقتباس شده) بدین شرح است.

«این قبر نشان شیخ عبدالله است - با خاک درش حور و ملک همراه است - کام دل خود بخواد از حضرت / او - / کز جمله اولیاء این درگاه است - سنه ۷۱۲» سنگ قبر دیگری با همین مضمون در سمت چپ نصب شده که بر اساس متن آن در سال ۱۴۱۲ قمری بدست شخصی بنام قاسمی خراسانی دوباره رونویسی شده است.



لوحة ۷ - پلان رباط پای کوه کنگ
ترسیم - هویدا بختاری

پس از گذشتن از شکافی کم عمق راهی به عرض یک تا نیم متر بوسیله سنگهای اطراف ساخته شده و با پیچ و خم زیاد از صخره‌ای بزرگ بالا رفته و در کمر کش شمالی با سنگ چین کردن سطح شیبدار مشرف به دره زشک آن را مسطح کرده‌اند. سطح سنگهایی که در مسیر معبر قرار داشته بر اثر تردد و استفاده زیاد ساکنین سائیده شده و گویای استفاده طولانی از قلعه می‌باشد.

فضاهای معماری داخل بارو مشتمل بر اطاقهای مستطیل شکل و انبارهایی بوده که بکلی منهدم شده و قسمت اندکی از دیوارهای آنها باقی مانده است. حصار قلعه نیز منهدم شده و تنها

اهالی کنگ اعتقاد دارند که این مقبره متعلق به شیخ عبدالله انصاری بوده و نزد آنان از احترام خاصی برخوردار می‌باشد. بخصوص اینکه زنان این روستا برای رفع حاجات خود به زیارت این مکان آمده و به نذر و نیاز می‌پردازند. قلعه حصار کنگ مشتمل بر ابنیه‌ای سنگی منهدم شده می‌باشد که در میان باروئی به ضخامت ۱/۲۰ الی ۲ متر قرار داشته‌اند. این قلعه بر سطح یکی از کوههای منخلته و مابین رودخانه کوچک زشک و رودخانه بزرگ کنگ ایجاد شده است.

معبر ورودی قلعه از سمت شرق و از قسمتی که کوه مزبور به ارتفاعات مجاور متصل می‌شده قرار داشته، بدین صورت که

در برخی نقاط حداکثر ارتفاع آن به یک متر می‌رسد
سطح قلعه و بخصوص پای دیوارها و حصار به طمع دستیابی به
کنج بشدت کندو کاو شده و بدین طریق علاوه بر فرسایشهای
طبیعی خسارات عمده‌ای بر آن وارد گردیده است.

اهالی روستاهای کنگ و زشک اعتقاد دارند این قلعه را
شخصی بنام افراسیاب در گذشته‌های بسیار دور احداث نموده و
آنرا به روایات اسطوره‌ای شاهنامه فردوسی منسوب می‌کنند،
لکن سفالینه‌هایی که در این مکان وجود دارد از نوع ظروف ساده
و لعابدار آبی و سفید، نوع تیموری و صفوی می‌باشد و از این
دوره به قبل تجاوز نمی‌کند.

با توجه به موقعیت طبیعی این قلعه و اشراف آن به دو دره
زشک و کنگ که در قدیم دو راه عمده کوهستانی بین توس و
نیشابور از میان آنها می‌گذشته اهمیت آن از نظر نظامی و سوق
الجیشی و امنیت این راهها بخوبی روشن می‌شود.

راه کنگ پس از گذشتن از روستاهای نقندر و حصار گلستان
به طرف مشرق امتداد یافته و به نوغان می‌رسیده و از طرف
شمال به تابران منتهی می‌شده است.

همانگونه که ذکر شد ابوسعید ابوالخیر بارها از مسیرهای
کوهستانی بین توس و نیشابور عبور کرده است.

مسیر اصلی در این منطقه از میان دره زشک می‌گذشته است.
بدین صورت که مسافرین پس از گذشتن از گردنه‌های خرو
بطرف پایین سرازیر شده و به دره پر درخت و خوش آب و هوای
زشک وارد می‌شده و سپس به نوغان و تابران می‌رسیده‌اند.

در ابتدای دره زشک و محلی که دره پهن شده و به گردنه‌های
منتهی به خرو متصل می‌شود، ریاطی سنگی وجود داشته که
توسط یکی از روستائیان تسطیح و به باغ تبدیل شده است. این
مکان حدود ۱۳ کیلومتر با زشک فاصله دارد و بنام رودخانه
عبدالله معروف است.

اثر دیگری که در حاشیه این راه وجود دارد بقایای قلعه ایست
بنام «قلعه کردی» این قلعه در فاصله ۲ کیلومتری غرب روستای
زشک و بر روی تپه‌ی صخره‌ای به ارتفاع تقریبی ۴۰ متر
قرار دارد.

این قلعه حدود ۷۰ × ۱۰۰ متر وسعت دارد و مشتمل بر حصار

و برجهایی مدور سنگی است که به شکل لوزی نامنتظم بر گِرد
اطاقها و انبارهای متعدد قلعه ایجاد شده است.

ورودی قلعه بصورت مدخلی کوچک می‌باشد، بعرض ۲/۵
متر که رو به جنوب گشوده می‌شده است. در دو طرف دروازه دو
برج نیم دایره و پشت آنها اطاقهایی مستطیل شکل وجود دارد که
بنظر می‌رسد محل استراحت نگهبانهای قلعه بوده است. بر
دیواره برجهای و بارو منافذی جهت تیراندازی و دیده بانی تعبیه
گردیده است. این قلعه بطور کلی با تخته سنگهای کوچک و
متوسط و ملاط گل ساخته شده، کلیه ابنیه داخل قلعه منهدم شده
و در حال حاضر به تپه‌های کوچکی تبدیل شده‌اند. سالمترین
قسمت قلعه ضلع شمالی حصار است که بطول ۳۰ متر و ارتفاع ۳
متر بر جای مانده است.

در قسمتهایی از حصار و دیوار اطاقها آثار سوختگی و
خاکستر وجود دارد که می‌تواند دلیلی بر تخریب قلعه از طریق
حادثه‌ای آتش سوزی باشد.

قطعات سفال پراکنده بر سطح این محوطه شامل قطعاتی از
ظروف لعابدار فیروزه‌ای، لاجوردی، لعاب نشاندار (مرصع) و
تعداد زیادی سفال ساده و خودی رنگ می‌باشد که در محدوده
زمانی قرون پنجم تا دهم هجری تاریخگذاری می‌شوند.

با توجه به فاصله اندک این قلعه با قلعه حصار کنگ و مشرف
بودن آنها به یکدیگر، می‌توان اظهار داشت که این دو در قرون
متأخر با هم در ارتباط بوده‌اند.

پس از این قلعه راه به طرف روستاهای ابرده علیا و سفلی و
شاندیز امتداد می‌یابد و در حوالی روستای ویرانی دو شاخه
می‌شده، یک شاخه به طرف شمال امتداد یافته و از طریق دروازه
نیشابور به تابران توس وارد می‌شده و شاخه دیگر به
مشهد (نوغان و سناباد قبلی) می‌رسیده است.

قبل از روستای ویرانی عمده‌ترین اثر تاریخی - فرهنگی
اطراف روستای شاندیز و ابرده مقبره شیخ حافظ ابرده‌ای است
که در میان قبرستانی با سنگ قبرهای بزرگ رودخانه‌ای مربوط
به قرون هشتم تا دهم هجری قرار دارد و راه فعلی از میان آن
می‌گذرد.

آخرین منزل این مسیر از نیشابور روستای ویرانی (نورآباد

تاریخ ۱۰۱۷، ۱۰۱۹، ۱۳۰۰ هجری قمری و نام سه شخص حکاکی شده است.

این قبرستان مربوط به قرن دهم تا چهاردهم هجری می باشد و در حال حاضر نیز اموات روستای ویرانی در آن دفن می شود. رباط ویرانی شاخصترین اثر وابسته به راه کوهستانی نیشابور به توس می باشد و در حال حاضر سالم و پابرجا و توسط اداره کل میراث فرهنگی خراسان در دست مرمت و باز پیرایی است.

این بنا در حاشیه روستای ویرانی واقع شده و مشتمل بر بنایی مستطیل شکل می باشد و بصورت سرپوشیده اجرا شده است.

ورودی رباط از جانب جنوب غربی به دالانی طویل گشوده می شود، در دو طرف این دالان جمعاً هشت غرفه نسبتاً عمیق و در ضلع مقابل ورودی دو غرفه تعبیه شده است. یکی از این دو غرفه به غرفه انتهایی ضلع شمالی متصل و به اطاقی کوچک تبدیل شده است.

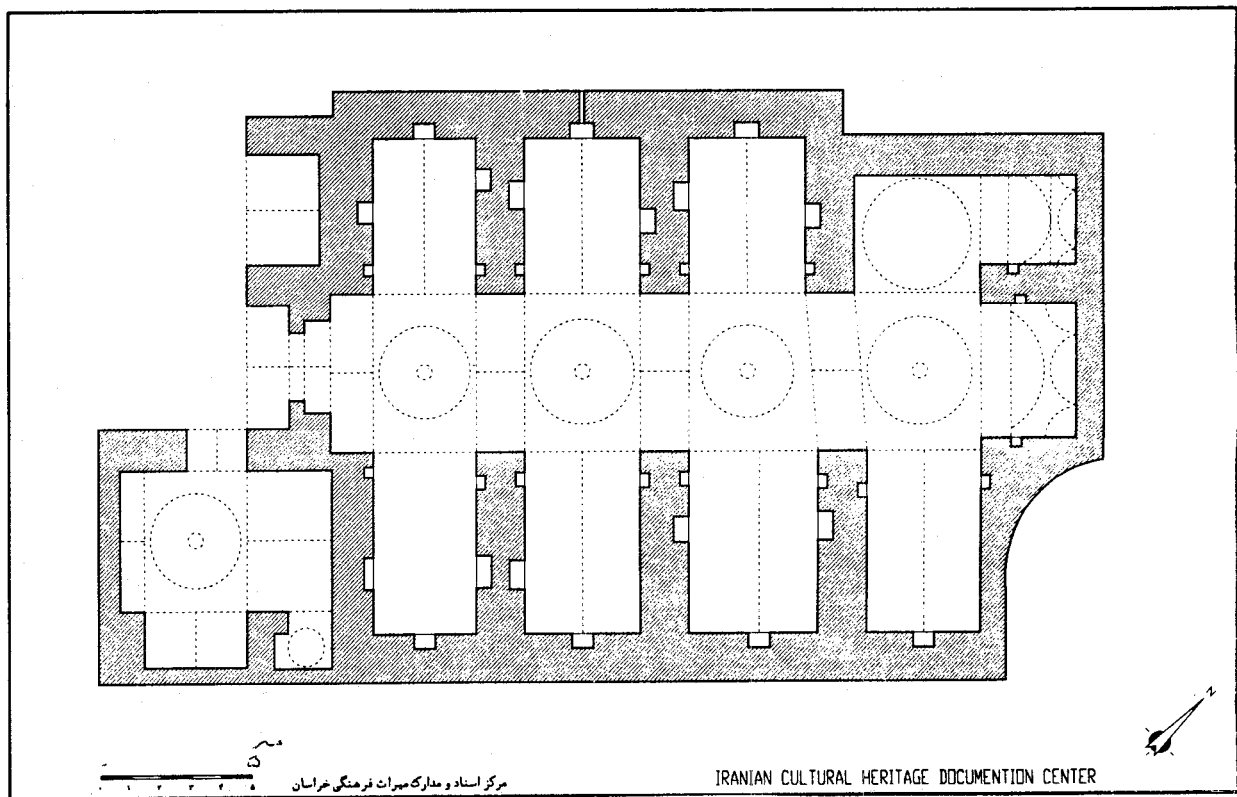
در دوسوی ورودی ایوانهایی وجود دارد. ایوانچه سمت

فعلی) بوده است. سنگ نگاره‌ای بنام سنگ شتر مربوط به دوره نوسنگی، قبرستانی قدیمی، یک بقعه مربوط به دوره صفوی و یک رباط در حول و حوش این مکان وجود دارد.

نقوش سنگ نگاره یادشده مشتمل بر بزه‌های کوهی، آهو، شکارچی با تیر و کمان بصورت پیاده یا سوار بر اسب می باشد که بر روی صخره‌ای بزرگ در کناره راه فعلی شانندیز به مشاهد قرار گرفته است.

در قبرستان ویرانی سنگ قبرهای متعددی در اشکال صندوقی یا قلوهای رودخانه‌ای بزرگ که نقوش و کتیبه‌های زیبایی بر آنها حکاکی شده وجود دارد. برخی از این سنگ قبرهای صندوقی شکل متعلق به اشخاص سیاسی یا عرفانی بوده و نسبت به بقیه سنگها متمایزتر و دارای نقوش چلیپا شکل، ستاره هشت پر و درخت سرو هستند و تمامی آنها از جنس سنگهای کلرایت (سنگ صابون) می باشند.

برخی از سنگ قبرها چند بار و برای دو تا سه نفر مورد استفاده قرار گرفته است. بعنوان مثال بر روی یکی از آنها سه



نقشه ۸. رباط ویرانی

راست در ادوار بعد با احداث اطاقی مربع شکل با سقف گنبدی و اطاقکی کوچک در زاویه شرقی فضایی مستقل را نسبت به بنا تشکیل داده است، مدخل این اطاق مجاور ورودی رباط و به سوی شمال غرب گشوده می‌شود. (لوحه ۸) مصالح بنا را آجر و سنگ و ملاط ماسه گچ تشکیل می‌دهد و سطح بیرونی آن با سنگهای قلوه‌ای پوشیده شده است.

بر اساس نتایج حاصل از گمانه زنی باستان‌شناسی پیرامون این بنا که در سال ۱۳۷۷ اجرا گردید جبهه جنوب شرقی رباط بازسازی و تاریخ احداث آن قبل از دوره تیموری تشخیص داده شد. (۶۱)

در حال حاضر کتیبه و مدارک نوشتاری دال بر زمان ساخت این بنا وجود ندارد لکن با توجه به شیوه معماری، ساخت بنای اولیه آن را همچون رباط خاکستری می‌توان به دوره سلجوقی نسبت داد. وجود فضاهای خاص در زوایای رباط می‌تواند کاربری آن را علاوه بر محل پذیرایی و استراحت کاروانها و مسافریین بعنوان چله خانه درویش نیز مطرح سازد.

۶۱- مطالعه و گمانه زنی پیرامون رباط ویرانی - محمود طغرایی - ارشیو اداره کل میراث فرهنگی خراسان، ۱۳۷۷، منتشر نشده.

آثار تاریخی فرهنگی بررسی شده مسیر راههای باستانی نیشابور به توس

ردیف	نام اثر	قدمت	وضعیت / کاربری فعلی
۱	محوطه باستانی برج	هزاره چهارم تا اول قبل از میلاد	مزروعی
۲	مجموعه قدمگاه (شامل بقعه، باغ کاروانسرا، حوض، آب انبار، حمام) دوره صفوی	دوره صفوی	سالم مذهبی توریستی
۳	رباط قلعه وزیر	قاجاریه	نیمه ویران / متروکه
۴	بقایای رباطهای دیزباد	صفوی	ویران / مزروعی
۵	محوطه باستانی قلعه کوهی	هزاره چهارم تا دوم قبل از میلاد	متروکه
۶	رباط فخر داوود	تیموری - قاجاریه	سالم / اداری
۷	قلعه‌های پیوه زن	دوره سلجوقی	ویرانه
۸	محوطه و بقایای قلعه تلخون	دوره سلجوقی	
۹	تپه صیداآباد	هزاره سوم تا اول قبل از میلاد	تپه
۱۰	قلعه تخت لنگر	صفوی	ویران / متروک
۱۱	کاروانسرای علاق‌بند	تیموری تا قاجاریه	نیمه ویران / متروک
۱۲	محوطه باستانی علاق‌بند	دوران غزنوی تا سلجوقی	مزروعی
۱۳	بقایای قلعه کوچ	قرون اولیه تا متأخر اسلامی	ویران / متروک
۱۴	محوطه باستانی قلعه چراغ	قرون اولیه تا میانی اسلامی	ویران / متروک
۱۵	محوطه باستانی لاخ انجیر	قرون اولیه تا میانی اسلامی	ویران / متروک
۱۶	بقایای رباط عارفی	احتمالاً صفوی	ویران
۱۷	بقایای راه صخره‌ای کلاته فاضل	قرون اولیه تا متأخر اسلامی	متروکه
۱۸	تپه و بقایای رباط جهان آباد	دوران غزنوی و سلجوقی	ویران / متروکه
۱۹	رباط خاکستری	دوران سلجوقی تا قاجاریه	نیمه ویران / متروکه (در حال مرمت)
۲۰	رباط باش ساروج	دوران سلجوقی تا قاجاریه	نیمه ویران / متروکه
۲۱	تپه نادری مشهد	هزاره پنجم ق.م تا دوران تاریخی	ویران / متروکه

۲۲	رباط طوق	صفوی - قاجاریه	سالم
۲۳	کاروانسراهای شریف آباد	صفوی - قاجاریه	نیمه ویران / متروکه
۲۴	رباط کلمبه	قاجاریه	نیمه ویران / متروکه
۲۵	محوطه باستانی قلعه چشمه چنار	قرون اولیه تا میانی اسلامی	ویران / متروکه
۲۶	رباطهای (استراحتگاهها) خرو	قاجاریه	نیمه ویران / متروکه
۲۷	بقایای رباط پایگدار جاغرق	سلجوقی	تپه
۲۸	رباط چشمه بلبل	قاجاریه	ویران / متروکه
۲۹	بقایای راه سنگ فرش	قاجاریه	متروکه
۳۰	رباط کنگ (استراحتگاه)	قاجاریه	متروکه
۳۱	مزار شیخ عبدالله	قاجاریه	سالم / مذهبی
۳۲	بقایای قراولخانه کنگ	صفوی	متروکه
۳۳	بقایای قلعه حصار	تیموری - صفوی	ویران / متروکه
۳۴	بقایای قلعه کردی	قرون میانی تا متأخر	ویران / متروکه
۳۵	مقبره شیخ حافظ	قاجاریه	سالم / مذهبی
۳۶	قبرستان ابرده	قرون هشتم تا دوازدهم هجری	
۳۷	مزار ویرانی	دوره صفوی	سالم / مذهبی
۳۸	رباط ویرانی	سلجوقی تا قاجاریه	سالم / فرهنگی، مرمت شده
۳۹	قبرستان ویرانی	قرن هشتم تا دوازدهم هجری	سالم / فرهنگی
۴۰	سنگ نگاره سنگ شتر	دوران نوسنگی	